

نبرد خلق

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
عید نوروز، جشن جنبش بهاری و آغاز
سال ۱۳۶۹ را به مردم ایران، تبریک
میگوید.

ارگان

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال ششم
اول فروردین ۶۹ - شماره ۶۹

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

مرکز کردستان و

سخنرانی رفیق سعید یزدانپناه

شو کمیته مرکزی سازمان در این مراسم

برای گرامیداشت خاطره نوردهمین تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همچنین بازدهمین سال قیام پر شکوه خلفهای بها خاسته علیه رژیم سلطنتی، از سوی کمیته برگزاری جشن ۱۹ بهمن مراسم با شکوهی با شرکت تعداد کثیری از نمایانان، دوستان، پیشمرگان و اعضای سازمان در یکی از مقرهای استقرار سازمان در نوار مرزی کردستان برگزار گردید. مراسم ابتدا در ساعت ۲/۴۵ دقیقه بعد از ظهر روز نوزدهم با یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت خاطره شهیدای سرفراز خلق آغاز شد و با اجرای سرود انترناسیونال ادامه یافت. انگاه توسط یکی از رفقا بیانیه سازمان بمناسبت رستاخیز سناهکل خوانده شد. سرود گردی سناهکل (جدید) پس از قرائت بیانیه از سوی گروه کو پیشمرگان فدایی به اجرا درآمد. سپس رفیق سعید یزدان پناه عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته کردستان سازمان به ایراد سخنرانی پرداخت. رفیق سعید ابتدا چگونگی روند شکل گیری سازمان چریکهای فدایی خلق و جریانات پس از آنرا بطور خلاصه بیان نمود و بطور خلاصه تصمیم کمیته مرکزی سازمان مبنی بر حذف پسوند " پیرو برنامه (هویت)" را تشریح و توضیح داد. بررسی اوضاع کنونی جهان، ایران و کردستان پایان بخش سخنان رفیق سعید بود. آشروح سخنان رفیق سعید در همین شماره نبرده خلق بجا ب رسیده است. مراسم با اجرای برنامههای متنوع هنری از جمله: شعر خوانی، سرود، ترانههای گردی اما لپچههای مختلف اورا مبنی، سورانی و شکاکلی، رقص ریسایی نمایشی بادیانسایی، رقص ترکی و چند ترانه لری که با همکاری گروه موسیقی حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری انقلابی به اجرا درآمد و همچنین منظومهای که از زبان مازندرانی به کردی ترجمه شده بود، ادامه یافت. مراسم در میان شور و هیجان حاضرین در ساعت ۵/۵ بعد از ظهر خاتمه یافت.

در صفحه ۴



۱۳۶۹

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن

مرکز کردستان و

سخنرانی رفیق منصور از مسئولین

سازمان در این مراسم

همانگونه که در شماره گذشته نبرده خلق یادداشت رسید، بمناسبت بزرگداشت ۱۹ بهمن حماسه سناهکل رفقای هوادار سازمان در هلند اقدام به برگزاری مراسم سخنرانی و هنری با شکوهی در شهر "لمیره" هلند نمودند که با استقبال بسیار خوبی روبرو گردید. این مراسم در تاریخ ۱۰ فوریه جاری با شرکت تعداد زیادی از رفقا، دوستان و هموطنان ما برگزار شد. خاتمه محل مراسم با آرم بزرگ سازمان، تعاون رفقای شهید و نیز شعارهایی در خصوص گرامیداشت خاطره رستاخیز سناهکل و مبارزه مسلحانه ترنشین شده بود.

مراسم در ساعت هفت و پانزده دقیقه بعد از ظهر با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد و احترام شهیدای بخون خفته خلق آغاز شد. پس از آن بیانیه سازمان به این مناسبت توسط یکی از رفقا قرائت گردید. سپس فیلمی به نام "شب بعد از انقلاب" ساخته فیلمساز برجسته ایرانی رضا علامه زاده به شورای شرکت کنندگان تعارش داده شد. قسمت بعدی برنامه به قرائت بیامهای رسیده اختصاص داشت که نمایندگان از جانب هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران - هلند و حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی در هلند و نیز آقای عمر یزدان پناه پدر فدایی شهید رفیق "سکو" بنیانگذاری سازمان را تبریک گفتند.

در قسمت های از پیام رفقای حزب یکجرات کردستان ایران - رهبری انقلابی، هلند آمده است: " حرکت سناهکل بانگ رسای از جان گذشتگانی بود که در راه احیای استبداد و استعمار به سکوت

در صفحه ۵



یاد به خون تپیدن
رفیق کبیر فدایی خلق
بیژن جزینی و همزمانش
گرامی باد

پیام مسئول شورای ملی مقاومت به فلسون ماندلا

مبارز بزرگ فلسون ماندلا،

پیام مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی و بنام خلق محرومی که تحت حاکمیت استبداد مذهبی و قرون وسطایی خمینی بیست و ۹۰ هزار شهید آزادی پر دامن خود پرورانده است، آزادی تو را به نشانه آزادی مهنیت گرامی داشته و صمیمانه تهنیت میگویم.

مقاومت تو در زندان ۲۷ ساله ات اصالت ارزشهای مقدسی را که برای آنها بیستابیش مردیت مبارزه کردی به اثبات می رساند و پیروزی فاطم آنها را عزمه می دهد. برانستی که تمامی خلفهای تحت ستارم و تبعیض که به ریسمان پر رنج و خون آزادی جنگ زده اند، چشم انداز راهش بخش پر شوری را در پیش دارند.

با درود به مقاومت تو و همزمان و مردمت مسعود رجوی

مسئول شورای ملی مقاومت
و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران

اطلاعیه دبیرخانه

شورای ملی مقاومت

بدنبال انتشار قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در باره وضعیت حقوق بشر در ایران، آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران با ابراز تأسف مجدد نسبت به گزارش مغرضانه و محدود کالیندویل که عیناً لطمه نامحسوس را برقرار کرده است تجدید ماموریت و بازدید نماینده کمیسیون حقوق بشر از ایران در پی موضوعات و اعتراضات گسترده مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی را یک اقدام ضروری توصیف کرد. اما در عین حال افزود: "با صراحت تأکید می کنم که ماموریت بعدی نماینده ویژه در ایران تنها در صورتی مورد قبول مقاومت ایران است که اولاً - نمایندگان مقاومت نیز به منظور معانعت از هر گونه صحنه سازی و معاوضه مجدد در جریان تحقیقات حضور یابند و ثانیاً - یک مترجم ناظر از سوی مقاومت بر تمامی ترجمه ها نظارت کند. در غیر اینصورت بیستابیش اسلام می کنیم که ماموریت و گزارش بعدی نیز مانند گزارش قبلی از نظر مردم و مقاومت ایران و همه وجدانهای متعهد فضایی محدود و عاری از اعتبار است."

مسئول شورای ملی مقاومت همچنین از اینکه رژیم خمینی نیز مانند رژیم شاه در دوران اجتناب خود به ناچار بر حسب قطعنامه کمیسیون حقوق بشر بلبل

در صفحه ۲

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

در صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنوشتی رژیم خمینی

در اعتراض به گزارش گالیندویل

خانم پوربیگاسیون و ۰۰ کیسومبینگ، رئیس اجلاس کمیسیون چهل و ششم حقوق بشر

رونوشت: آقای پرزدوکوییلار دبیر کل ملل متحد
عکس العمل گزارش نفرت انگیزی که آقای رینالدو گالیندویل در مورد شرایط سرکوب در ایران تهیه کرده است، باعث شد که ایشان در مواجهه با رادیو بین المللی سویس در دفاع از خود بگویند: "ممکن است من اشتباه کرده باشم" و حال آنکه حجم عظیم اسناد، شهادتها، اطلاعات و اعترافات مقامات رژیم ملایان، گزارشهای خبرنگاران و بلاخره قوانینی که ملایان جنایتکار اساسی قدرت خود را سستی بر آن میدادند، جایی برای چنین اشتباهات نمیگذارد. این گزارش مستقیماً با مقاومت سلیبونها ایرانی مقدمیده، علیه جنایتکاران حاکم طرفیست دارد. بزرگ کردن چهره کریم آدمکشان حاکم بر ایران فقط می تواند نتیجه زدوبندهای حقیرانه ای باشد که هدف آن به تاخیر انداختن سقوط مخنوم بازماندگان رژیم فرسوده خمینی بدست مردم است. این گزارش در عمل تشویق دشمنان سوگند خورده بشریت به ادامه جنایت، خونریزی، شکنجه و کشتار، بی حرمتی به حقوق ذاتی انسانها و اصول شناخته شده ملل متمدن، تحقیر دستاوردهای بشری، توهین به حیثیت انسان و بلاخره راهگشا برای تجاوز آنان به حقوق همه انسانها و همه سرکوب شدگان روی زمین است. آیا می توان حق دفاع را فراموش کرد، می توان چشم در آوردن، قطع اعضا، بدن، پرتاب کردن از بلندی، تجاوز به زنان و دختران، آویختن انسانها به جرقیل و سوزاندن انسان را عدالت دانست و مقاومت در برابر آنها نروبریزم خواند.

خانم رئیس

هنوز یکماهی از ضعف عمومی مردم جهان از آزادی بیسوس ماند لا نمیگذرد، مردی که ۲۷ سال تمام در زندان مقاومت مردم خود را رهبری کرد، کسی که بارها وسیله دشمنان آزادی تروریست مغزوفی می شد. سال گذشته ملل متحد با قبول مشکلات فراوان افتخار میریانی مردی را داشت که مقاومت مردم فلسطین را برای وصول به صلح و حقوق انسانی نمایندگی می کند. این میهمان عالیقدر، آقای عرفات، نیز توسط دشمنان صلح و آزادی خاورمیانه به عنوان تروریست مورد توهین قرار می گرفت. اینک آقای گالیندویل است که می خواهد مقاومت ملل متحد ایران را که از شناخته شدگی بین المللی برخوردار است قربانی زدوبندهایی با مغفورتترین دشمنان صلح و آزادی و بشریت نماید. مقاومت "شجاعانه" ای که بوسیله مراجع معتمد بین المللی بعنوان نماینده مردم ایران شناخته شده است و این همه در حالی است که مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر اجبار به "قیام بر ضد ظلم و فشار" را به عنوان آخرین علاج به رسمیت شناخته است. حق مقاومت در برابر ظلم جزء دستاوردهای حقوق مدرن بشریت است، برای استیفا این حق نظری و طبیعی هیچ انسانی نیازمند تجویز آقای گالیندویل نیست.

در عصر ما اسلح و مشاقت قدرت حکومت آزاد

مردم است. اما در میهن ما مشتکی آدمکش خود را نماینده خدا بر روی زمین می خوانند و بنام ولایت فقیه و برای ادامه موجودیت نامشروع و ضد بشری خود در مقابل مردمی که با پایمردی این جرثومه ننگ را نمی پذیرند به جنایات بی نظیری دست زده اند.

آقای گالیندویل در جعل واقعیتها آن چنان شتابزدگی دارد که در گزارش خود اشاره می کند که "در ۵ ماه گذشته هیچ اعدای علنی (در ایران) صورت نگرفته است" و حال آنکه این گفته با اقرارهای رسمی سران ایران و مطبوعات رژیم در تعارض است.

در حالیکه هیات عمومی دیوانعالی کشور در همین جمهوری اسلامی در رای قطعی و لازم الاجرای خود که اثر قانونی دارد (رونوشت و ترجمه پیوست است) تصریح دارد "مداخله وکیل تسخیری در صورتیکه متهم

شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد، در محاکم کیفری و در موردی که تجاوزات اصلی آن جرم اعلام با حبس دائم باشد، ضروریست" و محاکمه بدون حضور وکیل

اعتبار قانونی ندارد. آقای گالیندویل با بیانی متناقض سعی دارد القاء کند که محرومیت قربانیان

رژیم از حق دفاع به این علت است که با "شخص متهم حاضر به پذیرش کمک وکیل نمی شود"، و یا

اینکه "وکلا، حاضر به قبول وکالت و دفاع از متهم نمی شوند" (پاراگراف شماره ۲۴۶ گزارش

گالیندویل) به این ترتیب اعمال رژیمی که بدون رعایت حق دفاع آنها هر روز بر او بطور خود کماه به قتل رسانده توجیه می گردد. به جای جانی اصلی یعنی رژیم، وکلا و کسانی که بوسیله آدمکشان "خودگامگی اسیر شده اند تا بعداً بدون دفاع از خود به قتل برسانند، به کرسی اتهام می نشینند.

بالاخره، راه حل آقای گالیندویل آنست که با

ارائه کمک های فنی به دولت جمهوری اسلامی "دولت ایران آسان تر بتواند نظام خود را با معیارهای

بین المللی هماهنگ سازد." مجازاتی که در

ایران بر اساس قوانین رژیم اعمال می گردد نقض آشکار پیمان بین المللی منع شکنجه و سایر رفتارها

با مجازاتی ظالمانه غیر انسانی یا تحقیر آمیز است. راه واقعی هماهنگی این جانیان با مقررات

بین المللی آنست که آنها را بر اساس حقوق بشر و نه عیوان جانی در هر کجا که می بایست تسلیم

عدالت کنیم. اما اگر دست نبرند، چشم درنآورند، شلاق بزنند، سنگار نکنند، علیه اصول انسانی

قدرت حکومتی و قوانین ضد انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز خود عمل کرده اند. زیرا رژیمی که

پایه اش بر قوانین متحجر ولایت فقیه و تمرکز تمامی قدرت در دست یک فرد بنا شده باشد، از اساس نافی

همه ارزشهای و لای انسانی است.

خانم رئیس

به نام بشریت، به نام دفاع از حقوق بشر، به نام مردم ایران، ما امضا کنندگان زیر که نقض فاحش حقوق بشر را در ایران، به اشکال متفاوت لمس کرده ایم و خود قربانی سرکوبگری رژیم خمینی بوده و به همین علت در خارج از میهن خود پناهنده ایم و همانطور که آقای سعید رجوی، مسئول شورایی

اطلاعیه دبیر خانه شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱

متحد به بازدید مستمر صلیب سرخ از زندانبانهای سراسر ایران بویژه زندانبانهای سیاسی تن داده است، ابراز خرسندی نمود و آنرا دستاورد تحسن اخیر خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در تهران و اعتصاب غذای جهانی پشتیبانان مقاومت ایران خواند. آقای رجوی ضمن تاکید بر اینکه تعهد بازماندگان خمینی نسبت به بازدید صلیب سرخ از زندانبانها نباید بر روی کاغذ باقی مانده و صرفاً مصرف کم کردن از شدت قنطنامه حاضر را داشته باشد، خواستار کشوده شدن هر چه سریعتر زندانبانهای رژیم خمینی بروی صلیب سرخ گردید و آمادگی مقاومت ایران برای هر گونه همکاری با کمیته بین المللی صلیب سرخ را جهت سوقیت در مأموریتش اعلام نمود.

دبیر خانه شورای ملی مقاومت ایران
پاریس - ۷ مارس ۱۹۹۰

ملی مقاومت نیز طی تلگرام مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۹۰ به دبیر کل ملل متحد و پیام مورخ ۲۸ فوریه ۱۹۹۰ به آن کمیسیون از سوی شورا مورد تاکید قرار داده است از شما و تمام اعضا کمیسیون حقوق بشر ملل متحد می خواهیم:

۱- در جهت حفظ اعتبار ملل متحد و اعتقاد آزادگان جهان به لزوم پاسداری قدرت و حیثیت ملل متحد در راه برقراری صلح و آزادی از تمام امکانات خود برای کان لم یکن نمودن، گزارش مفروضه و مخدوش آقای گالیندویل که توهینی بزرگ و فراموش ناشدنی، نه تنها به ملت ایران بلکه به جامعه بشریت و تمام انسانیت است، استفاده کنید.

۲- چون گزارش مذکور از لحاظ حقوقی و از جهات دیگر فاقد هر گونه اعتبار است، ترتیباتی داده شود که مترجم مورد اعتماد و نماینده صالح مقاومت در سعیت نماینده جدید ملل متحد برای رسیدگی به جنایات رژیم، به ایران اعزام گردد.

۳- با توجه به تداوم جنایات رژیم به ویژه پس از بازگشت نماینده ویژه از ایران و اعمال روزمره انواع مجازاتی غیر انسانی، ظالمانه و تحقیر آمیز، بدون رعایت آیین دادرسی و حق دفاع که در همین زمان کوتاه منجر به اعدام بیش از ۳۰ نفر از افراد مظلوم در سراسر ایران شده است، خواستاریم که رژیم خمینی به طور قاطع برای نقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت در همین اجلاس چهل و ششم کمیسیون محکوم گردد.

عین الله آساد - اصغر امینی - فرهاد اسلامی - جرگرد خلیان حسین اسکندریان - محمد علی اصقهبانی - مینو انوندی - رضا اولیا - عزیرالله یاک نژاد - حکیم سعید جمشیدی - مهناز جهانیانی - مهرداد یسزدان حاج حمزه - حسین حسینی - دکتر کاظم رجوی - خلیل الله رضایی - محمد رضا روحانی - سروان حمید بزرگ باش - مهدی سامع - محمد شمس - دکتر محمد شیخی نارائی - مهدی صدیق زاده - دکتر طاهر طاهرزاده - بهرام عالموندی - مسلم اسکندر فیلابی - محمدرضایی - دکتر کریم قصبم - فریدون گیلانی - جلال گنجسه ای - ابراهیم مارنفرانی - مریم متین دفتری - هدایت متین دفتری - سرهنگ بهزاد معزی - دکتر علی معصومی - حسن مکارم - بهرام مودت - دکتر هادی سپاسادی - مهرداد رضا مولائی نژاد - زینت میرهاشمی - د. ناطقی - حسین نقدی - دکتر نادر نوری زاده - بهزاد وکیلی - منوچهر هزارخانی - مهرداد هرسینی - فریبا هشتروندی - ناهید همت آبادی - داریوش یسزدان فر

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

سفید از طریق یک شماره تلفن مربوط به هاشمی رفسنجانی با وی تماس گرفته است. پیشنهاد این تماس از جانب رفسنجانی بوده ولی به تلفن مربوطه خرد رفسنجانی پاسخ نداده است. این ماجرا یکی دیگر از زود بندهای پنهانی بین آمریکا و رفسنجانی را افشاء می کند.

از رادیو مسکو

رادیو مسکو ۴ اسفند ۶۸
"تظاهرات ضد دولتی که چند روز پیش در تهران آغاز شده بود در این هفته به شهرهای گوناگون ایران نیز سرایت کرد. مفسر ما یوری آندریف به این مناسبت چنین می نویسد: گزارشات بی سروصدا و کم رنگ در باره تظاهرات ضد دولتی در ایران از مدتها قبل منتشر می شد. اواخر سال گذشته همسه خبرگزاری های جهان از وقوع برخوردهای خونین میان دانشجویان ایران و پلیس خبر دادند. در آن زمان در جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران روحیه های سرکوبی تظاهرات دانشجویان مورد بحث قرار گرفت. در ماه ژانویه امسال اوضاع در شهرهای نجف اصفهان و اصفهان شدیداً به وخامت گراشید. تجار و باسازار، مغازه های خود را به مدت ۴ ساعت بسته و به ایمن ترتیب حمایت خود را از منتظری ایران می داشتند. وی که از تمام سمت های دولتی خود برکنار شده، به عنوان طرفدار لبرالیزم سیاسی معروف است و ادعا می کند که به انتقاد شدید از رهبری فعلی ایران می پردازد. او ایران را کشور فاشلی و رهبران کشور را خائن می نامد. در اواسط ماه فوریه آتش شد دولتی در ایران دوباره شعله ور شد. بنا به گزارشات سازمانهای اپوزیسیون روز ۱۶ فوریه در تهران میان نیروهای امنیتی و دهها هزار نفر از مردم مخالف رژیم

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱۱

متحد در زنگ که به صدای خود او روی نوار ضبط شده و در اختیار مقاومت ایران است.
رجایی خراسانی رئیس کمیسیون امور خارجیه مجلس رژیم خمینی نیز از پیش تاکید می کرد که قرار است "اسم از لیست سیاه (حقوق بشر) نیاید بپروریم... گالیندویل هم خیلی از مواضع اصلاح شده مثلا وقتی می خواستند از منافقین (مجاهدین) گزارش نام برد تحت عنوان گروههای مسلح بنا تروریست نام می برد و این موضع بسیار مشخص است".
اعین سخنان رجایی خراسانی سفیر سابق رژیم در ملل متحد در نیویورک که بر روی نوار ضبط شده و در اختیار مقاومت ایران است. نامبرده در همین نوار به سوزان "خیلی زیاد، خیلی زیاد" نسبت به گزارش گالیندویل ابراز "اطمینان" می کند.
اکنون بوضوح می توان فهمید که چرا در خواست مصراحه مقاومت ایران و تقاضای رسمی و کتبی پیش از ۱۵۰۰ تن از شخصیت های سیاسی و پارلمانتاریست های کشورهای مختلف جهان برای حضور یک نماینده از مقاومت ایران در جریان سفر گالیندویل که خواست اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران نیز بود هیچگاه پذیرفته نشد.
دلیل آن سادگی این است که در صورت حضور یک نماینده - فقط یک نماینده از میان بیش از یک هزار مجاهد خلق که داوطلب همراهی با گالیندویل در سفرش به تهران شده بودند - میز سفره و فریب کارانه ای که سردمداران رژیم چیده بودند بهیچم سرریخت و سعالمه کثیف مورد نظر انجام نمی شد.
گذشته از این در هر تحقیق منصفانه و بی طرفانه قضایی حضور مترجمی از سوی طرف دیگر دعوا نیز ضروری است تا بر صحت و بی طرفانه بودن مطالبی که ترجمه می شود نظارت داشته باشد.
حال اینکه این ضرورت بدیهی و بیش یا افتاده حقوقی نیز در جریان سفر گالیندویل مراعات نشده و مترجم بهیچوجه مورد اعتماد مقاومت ایران که یکطرف اصلی دعواست دعوت نموده است بگذریم که در وزارت خارجه رژیم خمینی صحبت جنب مترجم مقاومت ایران نتایج تحقیقات خود در این باره را نیز متناقضاً منتشر خواهد نمود.

ضمناً گفته می شود که مترجم مورد بحث از آشنایان قدیمی سیروی نامری مزدور شناخته شده

برخوردهای خونبار صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات ضد دولتی خواستار برکناری رهبری فعلی ایران از قدرت شدند. جالب توجه است که دولت اسلامی این حقیقت را که روز جمعه تظاهراتی در تهران به وقوع پیوسته تایید نمود. اما اعلام داشت که این ناراضیانی طرفداران فوتبال به دلیل لغو برگزاری دو مسابقه فوتبال بود. اما این ادعا مورد شک و تردید جدی می باشد. کافی است بگوئیم که دو روز پس از افتخارات تهران، بزدی رئیس قوه قضائیه جلسه مشورتی ویژه ای برپا کرد. در این جلسه تایید شد که دولت ایران قاطعانه تریبون و شدیدترین تدابیر را بر علیه کسانی که امنیت ملی کشور را مورد تهدید قرار می دهند، اعمال خواهد کرد. با این وجود تظاهرات ضد دولتی از پایتخت به شهرهای دیگر کشور نیز سرایت کرده است. شرکت کنندگان در تظاهرات و میتینگ های پرجمعیت نماوار رهبران دولت را به آتش کشیدند. تظاهر کنندگان سنگرها و موانعی در مرکز اصفهان ایجاد کرده و با تلاشهای مقامهای دولتی برای سرکوبی جنش اعتراضی به مقابله پرداختند. امروز دیگر کاملاً واضح است که آشوبها در ایران خصیصت سیاسی دارد. تظاهر کنندگان شعارهای ضد دولتی مطرح ساختند و خواستار آزادی های دموکراتیک هستند. در حال حاضر حیات سیاسی در ایران تحت کنترل شدید دولت قرار دارد. وحدت اسلامی بسیار کم دوام است و الترناتیو سیاسی در مقابل رژیم فعلی ایران به تدریج در حال باز کردن راه برای خود می باشد. گزارش می شود که گوناگون ترین نیروها از بهران سازمان جاهدین خلق گرفته تا طرفداران شاه در آشوبهای فعلی در ایران شرکت دارند. اما همه آنها خواستار آزادی بوده و مخالف قواعد سیاسی - مذهبی تحمیل شده به زور هستند. شاید در ایمن لحظات حساس بجا باشد که نمایندگان مجلس که چند روز پیش به دولت شوروی رهنمود می دادند جملات پیام خود را به یاد بیاورند. در آن نامه گفته می شد آن زمان که سرکوبی نودهها ساعت محسوب می شد، مدتها سیری شده است.

رژیم خمینی الحاق و ارفه سال پیش تا کنون مترجمی مقامات مختلف رژیم را در محافل مختلف بین المللی بمعینه داشته است.

نکته مشتمل کننده و در عین حال متضاد دیگر در گزارش امروز گالیندویل شکایات مرفوعه و شکایت گران رژیم از مقاومت ایران و مخصوصاً جاهدین است. گویا جاهدین قدرت حاکم را در ایران بدست آورده اند که اکنون سردمداران و مزدوران رژیم - چنانکه از گزارش گالیندویل پیداست - حقوق بشر خود را از مجاهدین طلب می کنند!
راستی که وقتی خرافت و وجدان بار سفر می بندد جای جلال و قربانی نیز عوض می شود.
مقاومت ایران به این وسیله مراتب اعتراض و اشعار خود را قویا به دبیر کل ملل متحد ابراز می کند. همچنین به تمامی دست اندرکاران و طرفهای تدبیر همدار می دهد که اگر کسی گمان کرده است با تحریف حقایق می توان چهره ملایان خون آشام حاکم بر ایران را بزرگ نمود و با آنها کنار آمد، سخت در اشتباه است.

چهره این دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی که جنگه طلسمی و صدور تروریسم ذاتی آن است و خسود آشکارا اعلام می کند که ضوابط قضایی و حقوقی آن برپای متفاوت با اعلامیه جهانی حقوق بشر است. آندین سباه و تباه و ننگین است که با آب هفت دریا نیز قابل شستشو نیست.

جانشین معزول خمینی نیز تصریح کرده بود که ایران خمینی فقط کشور قاتلان است و امروز سردم جهان بعینه می بیند که بعد از مرگ خمینی نیز باز هم اعدام و شکنجه و حلق آویز و سرو دست بریدن و گردن زدن بطور فزاینده ادامه دارد.

بنا بر این هر کسی که با سردمداران این رژیم دست همکاری و اتحاد بدهد همچنانکه مقاومت ایران از سالها قبل گفته است تنها دست خود را نجس کرده است کسی که از افعی انتظار زائیدن کیوتز داشته باشد احق است و ضمناً از یاد برده که کارگزاران این رژیم در این امام همچون غریقی هستند که برای فرار از سرگرم محتوم خود به هر وعده و وعید و فریب کاری متشبث می شوند. لاکن هرگز راه نجاتی نخواهند یافت و سرنوشتهی بهتر از سرنوشته جانشینان نیست.

صعتر از همه اینها و در ورای تمام مطالب و نکات دیگر ضروری می دانم از سوی مردم ایران و مقاومت عادلانه ایران برای صلح و آزادی به تمام جهانیان و مجامع بین المللی و دولتهای مختلف اعلام کنم که ترفندها و توطئه های بلایای رژیم خمینی هر چند هم حیل گرانه و آمیخته با وعده و وعید به این و آن باشد در اراده قاطع مردم ایران برای نیل به آزادی و خلاصی از حاکمیت خون آشام خلیفگی وارد نمی کند.

آزادی این خلق اسیر با شکنجه و خون و رزم بسی امان رسیدن فرزندانش رقم خورده و تضمین شده است. آن کسی که همچون فرزندان آزاده و دلیر ایران از شقه شدن نپراسد سرانجام قیهر و ملایان را از است به زیر خواهد کشید.
ملت ایران چه در جریان سرنگون کردن دیکتاتوری شاه و چه اکنون در جریان سرنگون کردن ملایان درخیم عزم جزم کرده است تا خون سبای آزادی را بسپردا زد و در این میان گزارشات خردوش و مغرضانه و ردیالانه جز کف های زودگذری بر روی رود خروشان خون شهدای آزادی پیش نیست.

انچه اصالت دارد نه این قبیل صداهای قبیح و دروغ نیکه بانگ رسای مردم برانگیخته ایران و ارتش آزادی است. مردمی که بار دیگر در تظاهرات قهرمانانه اخیر خود نفی تمامیت استبداد سبانه مذهبی را با تمام باندهای آن (اعم از خامنه ای و رفسنجانی) خواستارند.
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی
۱۹۹۰/فوریه/۲۶

درکتیرو توزیع
آشمار سازمان
بکوشید

جاودان باد ۱۹ بهمن
سالروز جنبش نوین کمونیستی ایران
خلق قهرمان، در هر کجا و شرایطی که هستید
در هسته های مقاومت مسلحانه متشکل و با دامن زدن به مبارزات روزانه همه افشار خلق، راه را برای حمله نهایی هموار سازید.
مرگ بر رژیم خمینی
پیش بسوی سازماندهی قیام مسلحانه توده های خلق.
سجفخا - واحد فدایی شهید منصور اسکندری

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن در کردستان

سخنرانی رفیق سعید بردانپناه عضو کمیته مرکزی سازمان

توضیح: این سخنرانی با تغییراتی جزئی از کردی به فارسی ترجمه گردیده و از روی نوار پیاده شده است.

رفقای گرامی بهمنیان عزیز

پیش از هر چیز لازم می‌دانم از صمیم قلب همه شما که گویم و از اینکه در مراسم شرکت کرده‌اید، تشکر نمایم.

امروز ۱۹ بهمن، هجده سال از آن روزی که شیر مردان فدایی در دل جنگهای شمال ایران پورده شد تیره و تار دیکتاتوری را دریده و دیمین مسیح آزادی را به طغیان نوید دادند، می‌گذرد ۱۸ سال پیش روزندگان فدایی پس از ۶ سال کار تدارکاتی مبارزه مسلحانه توانستند با وحدت و گروه از این جزایر، یکی به رهبری رفیق کیمیرمان شهید بسزنی جزایر و دیگری به رهبری رفیق شهید سمود احدزاده بایسکه سهاکل را خلق صلاح کرده و بعد از آن سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بنیاد نهادند.

مبارزه مسلحانه سال ۲۹ براساس تحلیلی که از اوضاع سیاسی آن وقت ایران ارائه شده بود، انجام پذیرفت. تجربه شکست رفرمسم خیانتمبار حروب توده، وجود دوران رکود سیاسی، شکست تشکلهای محدودی که سرفا به "کار سیاسی" روی آورده بودند و... روزندگان فدایی را به سوی مبارزه مسلحانه به مثابه خط شی انقلابی که می‌توانست آن فضا را بشکند و حرکت نویسی را ایجاد نماید، رهنمون کرد. چریکهای فدایی می‌خواستند به همه آزادیخواهان و انقلابیون، به کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران نشان دهند که اوضاع و احوال در آن رکود سیاسی رژیم شاه جدا از شرایط اقتصادی و اجتماعی آن، بیشتر ناشی از عدم وجود یک پیشاهنگ آگاه و انقلابی است که بتواند با تحریک انقلابی، مسلحانه خود، راه و رسم نویسی را در مقابل تودهها قرار دهد.

ما امروز می‌توانیم بر افتخار اعلام کنیم که رفقای ما، رهبران شهیدمان، با موفقیت توانستند آن مسئولیت خطیر را به انجام رسانند. اما مسأله ۲۴ فروردین، یکی پس از دیگری در سالهای ۵۲ - ۵۵، اولی با شهید شدن رفیق کیمیرمان بسزنی جزایر به مثابه اصلی ترین نیروی تشویرسین و استراتژیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و در سال ۵۵ با شهید شدن رفیق حمید شرف و اکثریت اعضای کمیته مرکزی، سازمان ما نتوانست آن مسئولیت بزرگی را که شروع کرده بود همچنان با سر بلند و موفقیت به انجام نهای برساند. در اولین قدم دسته‌های کوچک تک‌شعرات توده‌ای در سال ۵۵ جدایی خود را از صف سازمان اعلام کرد. همزمان بحران عمیق سیاسی، ایندولوز-یک و تشکلهای در سازمان ما منطقه سیست، بحران همراه با قیام بهمن و بعد از آن هر چه بیشتر تعمیق یافت و سازمان می‌کرد، که سرانجام باعث انفعال بزرگ اکثریت - اقلیت گردید. همچنانکه رفقا بهمن و دوستان عزیز می‌دانند، جریان اکثریت با حمایت تام و تمام از رژیم خمینی بزرگترین خیانت را در تاریخ معاصر ایران مرتکب شد. جریان انقلابی اقلیت هر چند در اولین گام توانست از شی انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی به مثابه رژیم سیاسی دیکتاتوری - بورژوازی دفاع کند، اما به علت اینکه از نظر ایندولوزیک - سیاسی نتوانست اوضاع جدیدی را که موجود آمده بود عمقا درک کند، همچنین از نظر تشکلهای مناسبات مسیحی را بر اساس اصول سائیرالسم - دیکراتیک بی برزی کند، به دسته‌ها انفعال بدی های مختلف تقسیم شده و سرانجام سرور انفعالات مکرر را شاهد شدیم.

ما گرایش از جریان اقلیت بودیم. گرایشی که به تمام معنا از گذشته بر افتخار سازمان دفاع می‌کرد و برچیدار دفاع از گنه نظریاتی بودیم که رقیبش جزایر براساس به ارمان آورده بود. نظراتی که از ابتدا نقش اساسی در تشکیل و تکامل سازمان فدایی داشت. بگذارید من در اینجا خطوط عموسی آن را در ۴ اصل خلاصه کنم:

الف - اعتقاد عمیق به مارکسیسم - لنینیسم

ب- مثابه ایندولوزی رهایی بخش طبقه کارگر - نفسی هر نوع طب گراشی و وابستگی به هر طبقه بین المللی، حال آن نقد شوروی باشد یا چین و یا آلبانی.

پ- بدادست که در آن موقع میان جزایرات "چپ" - طبقه گرای معمول بود - حزب توده وابسته می چون و چرای دیپلماتی شوروی بود، جزایرات دیگری هم

بودند که طرفدار چین و یا البانی و... بودند. سازمان فدایی این اصل را برای ما به ارمان آورد که چپ ایران باید مستقل باشد. براساس تجربه خود، تحلیل خود و برآورد وضعیت و شرایط سیاسی خاصی ایران، خط و منی سیاسی خود را تعیین کند.

ب - اینکه در شرایط دیکتاتوری و اختناق شکل محوری مبارزه، مبارزه مسلحانه است و دیگر اشکال مبارزه در خدمت آن باید قرار گیرد. در غیر این صورت، همچنانکه تجربه گذشته نشان داده و امروز نیز دو باره محله خورده است، غیر از شکست، ذلت و خیانت هیچ چیز دیگری در پی ندارد. تجربه اسرور نشان می‌دهد هر نیرویی که در میدان مبارزه مسلحانه پیروام مانده باشد، رشد کرده و پیشرفت نموده و مراحل تکامل خود را یکی پس از دیگری طی کرده است. و هر نیرویی که نتوانست و یا نتوانست مبارزه مسلحانه انقلابی را بکار گیرد، موجودیت سیاسی - اجتماعی خود را از دست داده و حداقلر محسوس - محافل غیر سیاسی و بی تحریک خارج از کشور و یا در داخل کشور در اضمه است. این امر امروز به عینه مشاهده می‌شود و احتیاج به تفسیر و تحلیل عجیب و غریبی ندارد. حتی جزایراتی که مجبور شدند در مبارزه مسلحانه گردن ستم شرکت کنند به مبرانی که این شکل از مبارزه را بکار گرفتند، موجودیت فعال سیاسی خود را حفظ کردند. زمانیکه مبارزه مسلحانه را کنار گذاشتند موجودیت سیاسی خود را روز به روز از دست دادند.

ج - اینکه به لحاظ سیاسی مبارزه برای دموکراسی در جامعه‌ای که دیکتاتوری بر آن حاکم باشد، محوری - ترین خواست کارگران، زحمتکشان و خلقهای تحت ستم است. بر این اساس نتوانست در این جامعه تضاد خلقی با ضد خلقی، خلقی با دیکتاتوری است.

د - اینکه اگر این درست است که در یک جامعه دیکتاتوری، مبارزه برای دموکراسی محوری است، بنا براین آن نیروهای که ضمیمه انقلابی برای استقرار آزادی و دموکراسی مبارزه می‌نمایند، می‌توانند در یک جنبه، ائتلاف و... با هم همکاری کرده و متحد شوند. تلاتر جزایر حصول این مقصود از اصول نظری سازمان فدایی بوده است.

این نظرات از اعتقاد ما فقط مربوط به گذشته نیست، بلکه هم اکنون نیز صحت خود را به تمامی حفظ کرده است و تنها باید با شرایط جدید تطبیق داده شود. اما تکلیفانه گرایش سکتاریستی حاکم بر اقلیت به تنها بر مبنی بنیادهای نظری ذکر شده مبر تأکید نمی‌گذاشت. بلکه روز بروز بیشتر و بیشتر حامیان واقعی این نظرات را از اسرود فشار و تضیقات سازمانی قرار می‌داد. تا اینکه با اجماع در سال ۱۳۶۲ گرایش اصولی درون سازمان اقلیت را محبور به جدایی شده و در شرایط دیگر و به شکل دیگری فعالیت خود را از سر گیرد. زمانیکه ما در هیئت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیرو برنامه (هویت) خود باره شروع به فعالیت کردیم، براساس اصل خیلی با اهمیت بود، اول اینکه در همان قدم اول به لحاظ سیاسی اعلام کنیم که ما بیکسیرترین مدافعان خط ایندولوزیک - سیاسی ای هستیم که از اساس در تشکیل سازمان فدایی نقش برجسته داشته

و سازمان فدایی با آن تکامل یافته است و دیگرانسی که ما سو - استفاده از نام فدایی فعالیت می‌کنند به هیچوجه مستحق نبود و صلاحیت استفاده از نام فدایی را ندارند. دوم اینکه، چگونه می‌توانیم این ادعای درست سیاسی را به لحاظ عملی و سازمانی ثابت بخشم، ما در مراحل اولیه شروع مجسمه فعالیت به دلایل ذیل نمی‌توانستیم نام کامل و بی کم و کاست سازمانی را بکار گیریم: اول از نظر کمی بسیار ضعیف بوده و می‌توانیم بگویم چند نفر بیشتر نبودیم. ثانیاً هیچگونه امکانات مالی، تبلیحاتی - تدارکاتی، ارتباطی در اختیار نداشتیم. سکتاریستها همه امکانات سازمان را غصب کرده بودند. ثالثاً موقعیت سیاسی سکتاریست ها هنوز در سطح جنبش مساعد بود. رابعاً همه دوستان ما، حاضر نبودند رسماً با ما همکاری نمایند. خامساً برای ما منافعی گرویی در درجه اول قرار نداشت، بلکه پیشرفت مبارزه همه جانبه انقلابی علیه رژیم خمینی مطرح بود. از این رو فکر می‌کردیم اگر سکتاریست ها ذراتی دیگر بتاسیل انقلابی را وجود دارند بگذارید بدون اینکه ما مانعی باشم آنها را به خدمت بگیرند. بنابرین اولاً ما می‌بایستی در نامگذاری خود همه مسائل را لا در نظر بگیریم، در نتیجه پیشنهاد " پیرو برنامه (هویت)" را به نام اصلی سازمان اضافه نمودیم. اما بعد از ۶ سال، اسامی در اجلاس کمیته مرکزی این ساله مورد تحلیل و بررسی اعضای کمیته مرکزی قرار گرفت و به اتفاق به این نتیجه رسیدیم که دیگر منتهیات " پیرو برنامه (هویت)" بنابر شکل و محتوای واقعی سازمان ما نیست. چرا که ما به لحاظ سازمانی اصلی ترین مراحل بازسازی

سازمانی و تشکلهای خود را با موفقیت به انجام رسانده‌ایم، همچنین سکتاریست ها شفه شده‌اند. بخشی از آنها دیگر بعنوان جزایری مطرح نیستند، تسکارتند، جنایتکارند، با سرویس های امنیتی بین المللی بر ضد مبارزه انقلابی مسلحانه ایران همکاری کرده‌اند، و دستشان به خون ۵ نفر از رفقای خود آغشته است. در همین رابطه بخصوص باندی که به نام حسین زهری (بهرام) شناخته شده است، بخشی دیگر از آنها اصلاً موجودیت سیاسی - تشکلهای انجمنی ندارند. شاید خیلی از شما با بدانان باشد که در سال ۶۲ زمانی که برنامه (هویت) اعلام شده بود، آنها (سکتاریست های منحرف) اعلامیه‌ای صادر کردند منی بر اینکه هر کس (منظوران ما بودیم) به اسم فدایی فعالیت کند ما حواسی را خواهیم گرفت، چنین و چنان می‌کنیم. بسیار خوب رفقا، ما به آنها می‌گوئیم! بعد از شش سال (حالا کجا هستند و چرا حال نمی‌آید جلو فعالیتهایمان را بگیرند. راستی چرا پیدایشان نیست؟ بله، ۶ سال ما به جلو آمدیم و آنان میسر قهرایی و تلاشی را بیمودند.

پس کمیته مرکزی سازمان تصمیم گرفت مسأله حذف " پیرو برنامه (هویت)" را به درون تشکلهات برده تا بعد از نظر خواهی از اعضای سازمان، تصمیم نهایی اتخاذ شود. چنین بود که خوشبختانه با استقبال همه رفقا و به اتفاق آرای همه اعضا، و کاندیداهای عضویت سازمان مواجه شدیم. از این رو امروز در ۱۹ بهمن ۶۸ اعلام می‌داریم که دیگر " پیرو برنامه (هویت)" پسوند نام سازمان ما نیست و حذف می‌گردد. نام کامل سازمان ما " سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" است. بی کم و کاست، بگذارید همینجا اعلام کنم که پیشمرگان سازمان تصمیم گرفته‌اند، اسامی پیش از هر سالی به گذریش مبارزه انقلابی مسلحانه مبارزت ووزند. بگذارید همینجا از دوستانمان در خواست همکاری بیشتر سیاسی - نظامی بنمایم و همبدا بکار دیگر از رهبری پیرو گنگره هتم حزب دموکرات خواهیم که دست از هرج و مرج طوسی برداشته و به جنگ داخلی در کردستان پایان نخشند، تا که همه پیشمرگان کردستان بتوانند بیشتر از قبل به وظیفه انقلابی خود در گذریش و انجام مبارزه مسلحانه عمل نمایند.

رفقا و دوستان عزیز می‌خواهم امروز در مورد وضعت بین المللی، داخلی و مسأله کرد بطور مختصر نکاتی را متذکر شوم:

وضعت امروز جهان را می‌توانم بطور خلاصه در ۲ بند بیان کنم:

اول اینکه از نظر روابط بین المللی بین دو نقطه اول و کلوک متضاد در سطح جهان تغییرات کیفی به وقوع پیوسته است. و ما شاهد دوران جدیدی از روابط شرق و غرب هستیم. شاخص این روابط را تاخام، سازش و مصالحه در همه زمینهها تشکیل می‌دهد. حدود و تقعر روابط جدید به مسأله جنبش های رهایی بخش ملی (به گفته آمریکایی ها "گانون های تشنج" نیز کشیده شده است، برای ما این جزء از کل مسأله از اهمیت حیاتی برخوردار است. چرا که خود جزئی از کل جنبش های رهایی بخش در سراسر جهان هستیم. به اعتقاد من امکانی روابط بین المللی جدید در عرصه جنبش های رهایی بخش بدین قرار است که از یک طرف نیروهای اصلی و انقلابی را جهت تکمین به سازش و مصالحه‌هایی که بنابر منافع واقعی توده‌های مردم نیست و دست کشیدن از اشکال قهرآمیز مبارزه، تحت فشار قرار می‌دهد و از طرف دیگر باعث تقویت گرایش و جناح راست که می‌گوید با تسلیم به شرایط بین المللی آقی رهایی را در سر نیز مذاکرات با نیروهای بین المللی و بخصوص غرب و آمریکا ترمیم کند، می‌شود.

بند دوم شرایط کنونی جهان بحرانی معمولی است که کشورهای سوسیالیستی بدان دچار شده‌اند. همه رفقا و دوستان گم و بیش در جریان اخبار و اطلاعات هستند و می‌توانند دانسته تغییر و تحولاتی که در بزرگ شرق در جریان است را مشاهده نمایند. در بعضی نقاط احزاب کمونیست وارد ائتلاف شده‌اند، در بعضی دیگر خود را منحل کرده‌اند، در برخی دیگر - های خوین بوفوع پیوسته، عده‌ای دیگر درگیری تغییرات درونی هستند. در شوروی دست به گریبان بحرانی عمیق و بعضاً درگیری های خوین هستند. در اینجا برای ما جدا از تحلیل ریشه بحران کشورهای سوسیالیستی، راه حلی که برای خلاصی از بحران نیز ارائه می‌شود جاتر اهمیت فراوان و چه بنا درجه بلد است. به عقیده ما بطور خلاصه جنبه‌هایی از راه حل هایی که در مقابل بحران موجود در کشورهای سوسیالیستی قرار داده می‌شود، راه حل های قطعی بورژوازی هستند که نمی‌تواند اثرات منفی در

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن در هلند

سخنرانی رفیق منصور از مسئولین سازمان

از صفحه ۱
و تسلیم تن ندادند و بدین سان آموزگاران جاسارت و حجاجت انقلابی شدند.
رفقا! در شرایطی که جنبش انقلابی و دمکراتیک میهن مان در لحنات حساسی به سر می برد، خراسان از همه ارزشها و بین انقلابی امری است ضروری که ما نیز خود را در آن سهم می دانیم؛ باشد که، پیوند و همبستگی همه رزمندگان راه آزادی ما را در دستیابی به آرمانهای رزمندگان فدایی که همانا نابودی شرک کونه ستم و استثمار است تضمین سازد.

همچنین در پیام هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران - هلند آمده است:
"سالگرد حماسه سهاگل و خاطره آن آنگسفر فراموشی ناپذیر انقلابی علیه دیکتاتوری شاه خاشن در جنگهای خونریزگی گلان و تولد چریک فدایی خلق گرامی باد. حماسه ای که اگر چه در خون نشسته اما به قیمت روح و خون فدائیان دلیری که در صحنه های مختلف نبرد انقلابی علیه رژیم شاه خاش جاسان باختند بر بی عملی و در جا زدن در ثنوری های صرف پیروزه در میان روشنفکران و معتمدان مارکسیست خط پایان نهاد. در نوزدهمین سالگرد حماسه سهاگل ایورتونیست ها و تسلیم طلبانی که در فضا کسور و هیستریک به مبارزه مارکس و انقلابی و الترناتیو دمکراتیک انقلابی شورای ملی مقاومت و نیو-سرووی محوری آن، نام و یاد فدایی را وسیله تسوار داده بودند پس از سلسله ای از اشتعاب و انشقاق و کشتار، بالاخره تجزیه و از صحنه سیاسی محو شدند و جز عده ای ساری و نسیگار و امانده چیزی از آنها بجای نمانده است. در حالیکه سازمان شما بعنوان ادا سه دهمه راه پیششار فدایی جایگاه شایسته خود را در شورای ملی مقاومت، این تنها جانشین دموکراتیک و مستقل و انقلابی رژیم ضد بشری خمینی که اصیل ترین و درخشانترین محصول سیاسی مبارزات تاریخی مردم میهن است، باز یافته است."
قسمت اول برنامه بدین ترتیب به پایان رسید. در قسمت دوم، رفیق منصور یکی از مسئولین سازمان به ایراد سخنرانی رایع به حذف پیوند "نیو برنامه هویت" و چگونگی تکوین پیوند دستیابی ساز صلبان به این امر پرداخت. که شروع سخنان این رفیق در همین شماره نشریه به چاپ می رسد.

بدینال سخنرانی رفیق منصور، اشعاری از رفقا خسرو گل سرخی و میژن جزئی توسط دو تن از رفقای هوادار به صورت دکلمه به اجرا در آمد و سپس گروه هنری "دریا" به اجرای چند آهنگ پرداخت. قسمت های بعدی برنامه رقص کردی و پسران از آن تکوازی پیانو و در پایان، گروه سرود پویان مراسم را با سرود "پرچمدار سمدگشان" به پایان برد.

سخنرانی رفیق منصور

همانطور که در بیانیه سازمان شرح داده شد، از این پس پیوند پیرو برنامه هویت از نام سازمان حذف و عنوان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بگانه معرف آن خواهد بود. خوب، ما این تحول را چگونه ارزیابی می کنیم؟ آیا صوری و فرمالیستی است یا اینکه ریشه در عمیق ترین وجوه سیاسی - ایدئولوژیک حاکم بر پیوند برنامه ای از تیرماه ۶۲ تا کنون دارد؟ برای پاسخ به این سوال اجبارا باید به گذشته بازگشت. باید به بررسی و تفحص در شیوه ی

تفکر و عملکرد ۶ ساله جریانانی پرداخت که هر یک مدعی بدوش کشیدن رسالت و سنت فدایی بودند و ساتر از فضای سیاسی و اجتماعی که در آن حرکت می کردند با این مقوله برخورد می کردند.
با این وجود هر گاه پیش از هر مطلبی نمادهای هویت و شخصیت جریان فدایی تعریف نشود، پاسخ ما نیز به سوال یاد شده کافی نخواهد بود. نشانه هایی که از چهارجوب تفکر سیاسی و ایدئولوژیستک آن منح و همانگونه که در پیام بهمن موجودیت سازمان را در انحصار توده ها نمایانگی می کرد. این سبیل ها نه خیالی و نه آفریده انسانه سراسرمان بودند. مردم حسارت و شهادت فدائیان را تحسین می کردند چرا که به یاد داشتند و با دیده و خواننده بودند که چگونه تسلیم طلبی اشکار حزب بوده در ۲۸ مرداد ۶۲، جنبش ملی به رهبری صدق را عملا به سمت شکست سوق داد و خود ناظر بطرف کودتایچیان شد. در حافظه تاریخی توده ها از سهاگل تا نسرووی هوایی، از صفائی قراهانی تا احمدزاده و یوسفان و از حمید اشرف تا میژن جزئی خطی متحد آرمانهای آموزان، کارمندان و افشار اجتماعی دیگر رسنه سازمان روی آوردند و پیرامین آن متشکل شدند تا طی یک دوره این را به بزرگترین سازمان مارکسیست لنینیست و نیز کلا سراسر سیاسی تاریخ معاصر ایران تبدیل کنند. حال بیستم این شاخص ها چه بودند.

جنبش کمونیستی ایران پیش از تمام بیستمن، از حیث ثنوری و پراکتیک حاکم بر آن دو دوره کاملا متفاوت را شاهد بوده است. دوره اول حاکمیستی پی چون و چرای ایورتونیسم را ست و نامیده سادی آن حزب توده مشخص می شود. بنایح فاجعه سیاسی استهای این حزب در به شکست کشیدن جنبش بورژوا - دموکراتیک ۳۲ به شکلی کاملا روشن منجلی می گردد و طمعا بر یک دوره از حیات سیاسی کمونیسم ایران نقطه پایان می گذارد. اما آنچه که بنا بر این روزگاری ۲۸ مرداد و نیمه جان شمن بیکر حزب توده (کارتگران) می رسد، در نقطه مقابل خود در الکسار و ادیان کارتگران و جنبش تازه آغاز می گردد. تجربه آنان از عملکرد و شیوه پیوسته حسی بی اقتصادی نسبت به هر گونه جنبش سیاسی جیب را دامن زده و جنبش مستقل کارگران را به قیام خیزد.

دوره دوم با حماسه سهاگل در ۱۹ بهمن ۶۲ آغاز می شود و متنی رفرمیستها را در طرفان شطرنجی مزدوران شاه به عقب می راند. تولد سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در حقیقت اعلام وجود و حضور جنبش نوین کمونیستی یا خط مشی انقلابی بود که میان ایورتونیسم و مارکسیسم بیکار و برای همیشه خط فاصل کشید و چهره هر دو را در برابر توده ها به نمایش گذاشت.

ثنوری حاکم بر این دوره که هسته بنیادی سنت فدایی را تشکیل می دهد عبارت بود از انتخاب خط مشی مبارزه مسلحانه به مثابه تاکتیک محوری برای مبارزه با رژیم شاه، پایگاه داخلی امپریالیسم و طرد عملی و نظری ایورتونیسم از گانال آن. اس تفکر همگام با پیوند رشد مبارزه، بسط و تکامل یافته و به سرزهای نویینی دست یافت امری که رفیق کسیر میژن جزئی در آن سهم بسزایی داشت. در ثنوری پیشگامان جنبش انقلابی ما بر خلاف آشن مقدس ایورتونیستها به سه

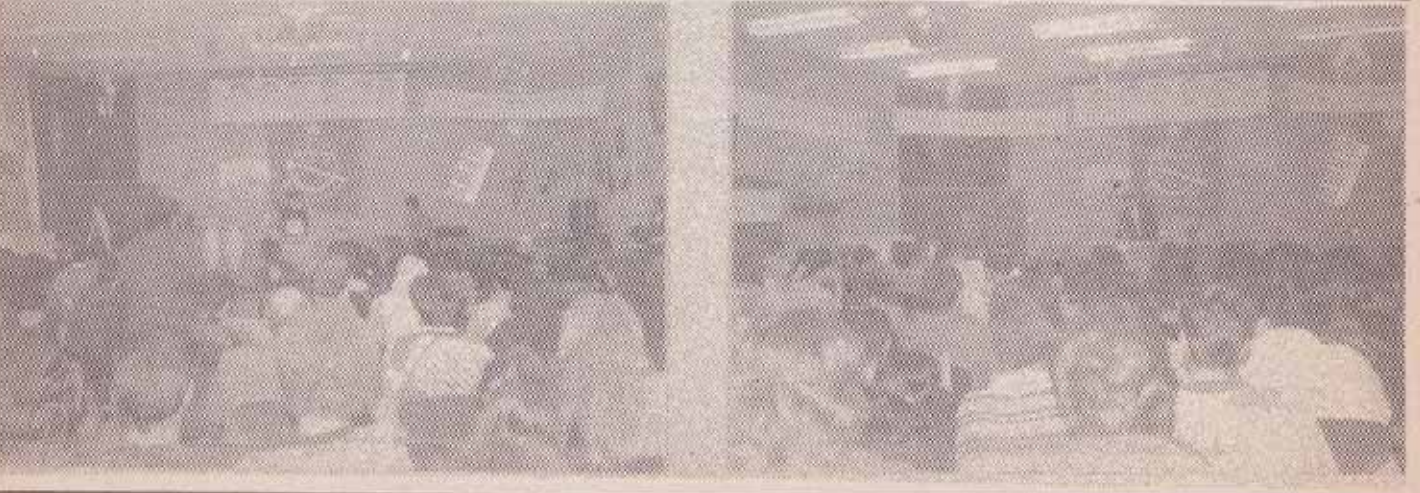
تفسیر جهان و درازگویی بی ثمر اکتفا نمی شود بلکه مستقیماً برای تغییر واقعیات و شرکت در مبارزه طیفانی تلاش می شود. از نظر آنان مارکسیسم لنینیسم شریعت جاسد نیست و هیچ حکم از پیش تعیین شده ای برای حل معضلات موجود و مشخص ندارد. رفقای ما با برخورد گلشنای و نمونه و ار مخالف بودند و در نقطه مقابل تفکرات جزئی و دگم اندیشان خشکه مقدس بر استنتاج خلایق و انطباق رسنه و پویای مارکسیسم لنینیسم بر شرایط جامعه ایران تاکید می کردند.

با روی کار آمدن رژیم خمینی و در سال ۵۹ مبارزه طیفانی جاسد درون جامعه بیکار دیگر ایورتونیستها را فعال کرده تا سازمان را بر سر دو راضی و داغ بنا گذشته ی سیاسی و ثنوریک با ادامه آن به هر قیمت قرار دهند. جریان اکثریت سازمان را به انشعاب کشانید و خود در لجنزار حمایت از رژیم خمینی لیرق شد. اقلیت اگر چه در برائی این اقدام و نیز رژیم خمینی موضع انقلابی اتخاذ کرد اما تحلیل نشستی و تعهد تفکرات گرد آمده در آن نمی توانست بسیر تحولات سیاسی شتابانی که بهایی صحنه اجتماعی کشور را بر و حالی می کرد، تاثیر گذار بوده و همچنان رل پیششار را بعهده بگیرد.

سر فصل تاریخی ۳۰ خرداد کره گاهی بود که سیاست ها و مواضع کلیه طیفات و نمایندگان سیاسی آنان از آن می پاست بگذرد. اقلیت در این کسارزار در کنار طیف انقلاب بود اما پس از آن نایکسیر در عرصه مبارزه، واقعیت وجودی الترناتیو شورای ملی مقاومت و ضرورت تقویت عمومی جنبه انقلاب را به فراموشی سپرد و از این رهگذر از کنار مبارزه متحدانای کلیه جریانان مرفقی و انقلابی بر علیه رژیم خمینی گذشت. گنگره اول سازمان در نیمه ماه ۶۰ تنها به سازش میان جریانات مختلف بر سر برخی موارد مشخص امانید اما حتی خود مجویات گنگره گذاشته شد. نیماله روی از حواقت و بی عملی سیاسی از یکسو و تیره ساختن روابط با جریانات انقلابی و سترلی از سوی دیگر نتایج خود را در عرصه تشکیلاتی به صورت اشتعابات متعدد، باند سازی و فراکسیون سازی، اقدامات تشکیلات شکنانه، سرکوب خود سزانه دموکراسی درون تشکیلاتی و سباز موارد دیگر اشکار می ساخت و نشان می داد که اقلیت از خط و خطوط بنیادگذاران سازمان جدا شعه و می رود تا یکسره با اندیشه و عمل انقلابی و داغ کند. امری که نام، یاد و تاریخ پر افتخار سازمان را در معرض تهدید جدی و لبه پرتگاه سرک و زدنگی قرار می داد و این درست همان چیزی بود که چریکهای فدایی باید از آن میبانت بعمل می آوردند.

کمه کودتای باند توکل در خرداد ۶۲ تنها ادای این رسالت را برای مدتی اندک به تاخیر انداخت اما قادر به متوقف ساختن قطعی آن نشد. وظیفه ای عظیم و غول آسا فرا روی سازمان قرار گرفته بود، ابتدا میبایست میان خود و جریان سگناریست خط و سرز می کشید و انرا ثنوریزه می کرد. سپس جایگاه خود در صف بندی اجتماعی را معین می نمود و سر آخر بر پایه تفکر و سیرات ثنوریک رفقای همچون میژن جزئی و در چهارجوب شرایط مشخص مبارزاتی سه تدوین میبانی و بنیادی ایدئولوژیک خود می پرداخت و تازه آن هنگام بازسازی دوباره تشکیلات و ارگانهای ضربه خورده در دستور کار قرار می گرفت. اسلام برنامه هویت در تیرماه ۶۲ نقطه آغازی برای اعتلای

گوشه هاسی از مراسم هلند



نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن در کردستان

سخنرانی رفیق سعید یزدانپناه
عضو کمیته مرکزی سازمان

از صفحه ۲
وضعیت طیفه کارگر جهانی، جنبشهای رهایی بخش نداشته باشد.

اتفاقا در جنبش چپ ایران نسبت به تحولات کشورهای سوسیالیستی مثل همیشه ۳ خط مشی اساسی شکل گرفته است:

۱ - خط راست و رفرمیستی که مربوط به جریانهای است که در گذشته نیز وابسته به اتحاد شوروی بودند. و در هیئت حزب توده، حزب دمکراتیک مردم ایران، اکثریت (هر دو جناح) و ۰۰۰ خود را نشان میدهند. این خط رفرمیستی به حمایت تمام و کمال و بدون چون و چرا از تغییرات و تحولات در کشورهای سوسیالیستی برخاسته است. تمادفی نیست این جریانهای که امروز به اصطلاح مدافع سرخست "دمکراسی" هستند همه در گذشته در معیت "امام خمینی" سه مبارزه "ضد امپریالیستی" مشغول بودند. البته واضح است که رفرمیسم انبشار اشکالی دیگر بخود گرفته و "سوسیال دموکرات" از آب در آمده است. مشخصه رفرمیسم در شرایط کنونی چنین است:

الف - از نظر ایدئولوژیک نفی مبارزه طبقاتی، به مثابه نیروی محرکه تاریخ و تکامل آن تا استقرار دیکتاتوری پرولتاریا.

ب - از نظر سیاسی تلاش برای سازش با بخشی از بورژوازی غیر حاکم در ایران.

ج - از نظر اشکال مبارزاتی تلاش برای محدود کردن مبارزات به چارچوبهای قابل پذیرش در رژیم حاکم و با استراژی امکانات فعالیت قانونی.

د - از نظر اشکال سازمانی نفی انضباط درونی و سازمان انقلابیون حرفه‌ای و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی در یک جریان م - ل تحت پوشش "وحدت در تنوع نظری" - البته عمده‌ای از اینها با را جلوتر گذاشته و خواهان حذف معیار ایدئولوژیک برای تشکیلهای خود هستند.

۲ - گرایش دوم نیز، همچون گذشته با امپریالیستی بودند کشورهای سوسیالیستی خیال خود را آسوده کرده و بحران این کشورها را نیز بحران سرمایه‌داری دولتی می‌نامند.

۳ - گرایش سوم مربوط به چپ مستقل ایران است. اروپایی دقیق و علمی این تحولات برای چپ مستقل انقلابی بسیار حائز اهمیت است. چپ مستقل ایران باید از تجربیات ۷ دهه سوسیالیسم تجربه گسست نموده و اثر اهره بیشتر مد نظر قرار دهد. نکات و عناصر مثبت این تحولات را جذب نموده و عناصر منفی و مردود آنرا طرد نماید.

اگر بخواهیم مختصرا نگاهی به اوضاع رژیم خمینی بیاندازیم، براساس قطعا روشن می‌شود که رژیم در یکسال گذشته نتوانسته است هیچ کدام از مسائل و مشکلات اصلی بی‌راشه بدان متلا شود، بجز طرف نماد مشکلات و مسائل اصلی رژیم در شرایط کنونی همچنانکه قبلا نیز گفته‌ام عبارتست از: اولاً رژیم خمینی باید تکلیف صلح با عراق را روشن کند. ادامه شرایط نه جنگ نه صلح تا ابد امکانپذیر نیست. طی یکسال گذشته نه تنها هیچ اقدام جدی و کامی موفری در جهت رسیدن به توافق صلح با عراق برداشته نشده بلکه به هیچ وجه در کوتاه مدت چشم اندازی نیز برای آن تصور نیست.

ثانیا مناسبات رژیم با دنیای خارج اعم از غرب و شرق علیه تمام تلاش و کوشش فراوان رژیم و پیشرفتهایی در این عرصه، اما در اصلی ترین و کیفی ترین عناصر آن همچنان در بن بست و انزوا قرار دارد. غربی‌ها و در عرضان آمریکا از رژیم تمپدانیسی را می‌خواهند که در شرایط کنونی و با توجه به بحران و تضادهای درونی آن به هیچ وجه توانایی بر آورد آنرا ندارد. برای مثال ساله ساله طرف تروریسم از دستگاه رژیم و گروه‌های غربی و جبهاتی بودن آن برای رژیم در جهت ایجاد تفاهم با غرب، اما تاکنون نیز هیچ پیشرفتی نداشته‌اند.

ثالثا، ساله وضعیت فلاکت‌بار اقتصاد ایران همچنان به قوت خود باقی است و علیرغم تهدیدات و تصدیقات رسنجانی، اقتصاد ایران روز بسزوز ویران تر و درب و داغان تر می‌شود. بنابراین می‌توانم آنچه را که در سال گذشته نیز اعلام کردیم، یعنی اینکه رژیم خمینی محکوم به نابودی کامل است، و باید به وسیله مبارزه مسلحانه انقلابی و با قیام‌توده‌ها به گور سپرده شود، تکرار نمایم.

بگذارد به تازه ساله کرد در پرتو اوضاع بین المللی نیز مختصرا بحثی داشته باشیم. می‌توانم به حرکت اعلام کم امکاناتی که امروز در

گزارشی از برگزاری مراسم ۱۹ بهمن در همدان

سخنرانی رفیق منصور
از مسئولین سازمان

از صفحه ۵
مجدد سازمان، پیشبرد جدی مبارزه مسلحانه و تحکیم مقوف متحد ما با نیروهای انقلابی و در رأس آنها اپوزیسیون متشکل در شورای ملی مقاومت بود. در برابر ما مشکلات بیشماری وجود داشته که برخی از آنها زائیده سطح فوق العاده نازل تدارکاتسی - امکاناتی مان و بعضی نیز ساخته دست سوسیالیسم - فراوان مارکسیسم - لنینیسم از منتها الیه چپ تا ماورا راست بود. اقداماتی که از بایکوت شروع و به برخوردی غیر سیاسی و حتی تهدید به ترور فیزیکی ختم می‌شد. در برابر طوفانی مداوم از افزایش اتهامات استادگی کردیم، اما هیچگاه تسلیم شرایط و مبارزه ممکن نشدیم. برای سازمان دفاع از حیثیت خود و گذشته‌اش تنها در قالب استراژی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی معنا داشت و هم از این رو بود که عملکرد ما بطور دیالکتیکی اقدامات مخالفان را خنثی و نفی کرده و در بعد اثباتی آن هویت سیاسی و اجتماعی سازمان را بدشو برجسته‌ای در میان دیگر مدعیان دروغین نام فدایی مشخص می‌نمود.

همانگونه که گفتیم برنامه هویت تا حدود زیادی موقعیت همه جانبه ما را معین و از این نظر انبساط تارمین کرد. بر این اساس ما جایگاه خود در کنار نیروهای انقلابی و مترقی در ائتربندی دمکراتیک شورای ملی مقاومت را یافتیم و در اولین اشتراک سیاسی پایدار در تاریخ معاصر ایران مبارزه طبقاتی را نه بطور کتابی و ذهنی که در عمل تجربه کرده و به پیش بردیم. اعتقاد سازمان به مبارزه مسلحانه و عنوان تاکتیک محوری برای سرنگونی رژیم حاکم از آنجا که یک تعارف سیاسی و با بدشرف اصولی و نفی عملی نبود، در اولین گام خود ارگان کمیته کردستان سازمان و واحدهای پیشبرنده را بنیاد نهاد که اکنون یکی از چند نیروی قدرتمند منطقه بشمار می‌آید و در قدم بعدی به حمایت و پشتیبانی همه

بخانه بین المللی برای طرح و بررسی مساله کرد و بچون در تاریخ معاصر بی نظیر است. همچنین رفقا در جریان هستند امسال اولین کنفرانس را چه به سبب آنکه در پارسی برگزار شد. برای جریانات انقلابی و مترقی کرد و چپ ایران تحلیل درست از این امکانات بین المللی استفاده درست از آن حائز اهمیت فراوان است.

ابتدا باید بدانیم امروز بر پایه چه سلفهایی بخشی از جریانات حاکم بر کشورهای اروپایی در تلاش طرح مساله کرده‌اند و نگاه روشن کنیم که جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد چگونه و تا چه اندازه می‌تواند از این امکانات استفاده نماید. به اعتقاد من در این اوضاع و احوال دو انحراف خطرناک جنبش کرد را تهدید می‌کند. اولاً انحراف راست که با توجه به باز شدن فضای بین المللی انگاه به مبارزه مسلحانه انقلابی و توده‌های مردم (مثابه عرصه اصلی و اساسی جنبش کرد) را به کنار گذاشته و همه چیز را در سازش و مذاکره از طریق امکانات بین المللی می‌بیند. بیداست که برای این جریان راست امکان گسب پیروزی میسر نیست. بلکه تنها امکان به بازی گرفتن آن وجود دارد. ثانیاً انحراف چپ روانه که به بدلیل واهی استفاده از این امکانات را سرود می‌داند. به عقیده من خط مشی سیاسی درست در این رابطه آنست که با انگاه اصلی به مردم کرد و سازماندهی مبارزات توده‌ای و مبارزه مسلحانه انقلابی. از شرایط بین المللی بهترین استفاده را نمود. تجربه فلسطینی‌ها در این عرصه بسیار آموزنده است. سازمان آزادی بخش فلسطین زمانی توانست به تمام معنا ترجمه بین المللی مبارزه را اشغال نماید و در این عرصه حرف آخر را بزنند، همچنین خود را به همه قدرتهای بزرگ تحمیل نماید و ادا را حق به مذاکره کند، که "التفاهه" یعنی قیام هر روزه خلق لهرمان فلسطین بوجود آمد. روشنست است تا زمانیکه "التفاهه" وجود داشته باشد و قیام مردم فلسطین همچنان شعله‌ور باشد، سیاف می‌تواند همه توطئه‌های بین المللی را نقش بر آب سازد. بنابراین این نیروهای انقلابی - دمکراتیک جنبش کرد زمانی قادر خواهند بود که خود عامل اصلی و طرف اصلی و سعادت بین المللی باشند که آنکه به مردم و مبارزه انقلابی مسلحانه توده‌ای را از دست نداده باشند.

رفقا و دوستان عزیز بیش از این وقتشان را نمی‌گیرم، امیدوارم که سال آینده در ایرانی آزاد و دمکراتیک و کردستانی خودمختار، ۱۹ بهمن را جشن بگیریم.

جانبه از مبارزه مسلحانه سراسری پرداخت. در بعد بازسازی تشکیلات، سازمان ما طی ۶ سال بتدریج کلیه ارگانهای خود را بوجود آورده و باتریمیم و تکمیل کرد. به اوزارات رشد کیفی، خطوط سیاسی سازمان در میان طیف وسیعی از محافل سیاسی و مردم عادی مطرح و حمایت‌ها و پشتیبانی‌های بسیاری را متوجه آن ساخت.

در مقابل باید توکل نتایج چند سال بی عملی و تکرار ذهنیات منجمد شده خود را بطور خودجوش دریافت کرد. در بهمن ماه ۶۲ در قریه کاپلیسون دو جریان از این باند باند دستهای مافیائی برای حل اختلافات خود بطور مسلحانه بجان هم افتادند و تعدادی از دوستان و رفقای خود را به قتل رساندند و سپس هر یک با توکر بورژوازی خواندن طرف مقابل از یکدیگر جدا شده و باصطلاح اشعاب کردند. این حادثه که در نوع خود در تاریخ سیاسی ایران بطور اعم و تاریخ جنبش چپ بطور اخص کم نظیر است نشان داد که این باند را حتی یک جریان سیاسی بسز نمی‌شود تلقی کرد چه برسد به ۰۰۰۰ بهگدریم.

رخ دادهای بعدی صحت نظرات ما را در خصوص باند توکل به اثبات رساند. این باند در اوائل سال ۶۵، همدا با هارترین جناح‌های امپریالیستی و گروه‌های نفوذاستی در فرانسه خواهان اخراج سمود رجوی شدند و حتی تا آنجا پیش رفتند که در محل اقامت وی تظاهرات کرده، خود را با زنجیر محیل بستند و الی آخر. در سال ۶۷ با اخراج توکل توسط یکی از افراد خود بنام زهری بقایای باند ابتدا سه دو و سپس به سه دسته منقسم شدند. و بدین ترتیب پرونده سقوط سیاسی و اخلاقی آنان با سیاه‌های از گذشتار درون گروهی، انشعابات متعدد با دلایل غیر سیاسی، همسستی با بدنامترین جریانات و غیره به یکی از تمعین کننده ترین نقاط خود رسید.

در اینجا آن رسالتی که ۶ سال پیش سازمان ما را به سوی خود فرا خوانده بود یکبار دیگر و اینبار در قالبی از مطرح شد. درنگ جایز نبود، ما نباید اجازه می‌دادیم بیش از این جریانات منحطی که هیچ وابستگی ایدئولوژیک، سیاسی و تاریخی با سنت فدایی ندارند از نام و ارم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برای مشروعیت بخشیدن به اعمالشان سوء استفاده کنند. حرکت ۶ ساله سازمان می‌بایست به یک نقطه اوج کیفی در حفظ میراث رفقای شهیدمان ارتقا یابد، براساسی مگر سیر انحطاط و نزول جریانات مدعی و در مقابل آن رشد و پویایی سازمان خود گواه حقایق ما نبود؟ آیا این پرونده می‌توانست پیامی جز این داشته باشد که تنها حاملین صادق اندیشه علمی و انقلابیون وفادار به خلق و انقلاب می‌توانند از سازمان صفایی و احمدزاده جوان و جزئی خواست نمایند؟

بنابراین پس از ۶ سال سرفرازانه، همانطور که در بیانیه سازمان آمده است اعلام می‌کنیم "پسوند پیرو برنامه هویت" از نام سازمان حذف و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همچنان بوسیله مدافعان واقعی دمکراسی و سوسیالیسم نمایندگی می‌شود". نقطه پایانی که بر پسوند مذکور می‌گذاریم در حقیقت نقطه آغازی است که راه پر شکوه و پسر افتخار شهیدای ساهگل را بی می‌گیرد. این راه مسیری ست که سرانجام و بی تردید صدای کامیابی پر ملات کارگران و زحمتکشان در آن طنین خواهد افکند تا به سوی استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم روانه گردد، به سوی برج زهرم فردا.

برخی از رویدادهای تاریخی

- از صفحه ۱۰
- ۲۷ مارس ۱۹۷۶ - پیروزی جنبش راهشخت مردم آنگولا به رهبری "میلا"
- ۲۰ مارس ۱۹۷۶ - روز زمین برای مردم فلسطین، به مناسبت اشغال سرزمین‌های فلسطین توسط اسرائیل
- ۱۸ آوریل ۱۹۸۰ - استقلال زیمبابوه
- ۶ آوریل ۱۹۸۲ - ترور ملیدا سونترا (آناماریا) فرمانده دوم سازمان آزادیبخش خلق السالوادور در یک توطئه درونی
- ۲۷ مارس ۱۹۸۶ - درگذشت یوری گاگارین، اولین فضاورد جهان

مصاحبه با كاك جليل گاداني

درباره تحولات اخير در كشورهای سوسيالیستی

كاك جليل با تشكر از اينكه مصاحبه با نريسه نبره خلق را پذيرفتيد ، صحبت هايمان را شروع مي كنيم .

سوال - شما بعنوان يكي از مدافعان سوسياليسم و عدالت اجتماعي كه سالها در اين راه مبارزه كرده ايد ، در رابطه با تحولاتي كه اخيرا در كشورهای سوسيالیستی اتفاق افتاده چه احساسی داريد؟ و كلاً اين تحولات انگيزه های شما را براي مبارزه در راه سوسياليسم تقويت مي كند يا تضعيف؟

جواب - من هم از شما متشكرم كه اين فرصت را به من داديد كه با روزنامه تان مصاحبه اي داشته باشم ، گرچه من دمكرات هستم و علاقمندم بيشتر در حـول برنامه حزب و مساله ملي حركت كنم ليكن در رابطه با تحولات اخيري كه در كشورهای سوسيالیستی اتفاق افتاده مي توانم بگويم كه نتيجه طبيعي نادرست بودن برنامه ها و عدم توجه به واقعيت هاي عيني و ذهنی در هر كدام از اين كشورها بوده است . و به نظر من اين تحولات به هيچوجه نقش سوسياليزم را به عنوان يك پديده عالی اجتماعي منتفي نمي كند ، بلكه مجموعه اين حركات را در تقويت سوسياليسم مي بينم و به همین لحاظ اين تحولات را همانطور كه حـال ما نماز در كنفرانس چهارم خود كه در تيرماه سال گذشته منعقد گرديد مطرح كرده ، در تائيد پروتريكا بوده و في الواقع همانطور كه خود گورباچف اشاره مي كند اين اقدامات در جهت تقويت سوسياليسم با بهتر بگوئيم در جهت تضعيف سوسياليسم موجود به حساب مي آيد و تخفا اين امر را تضعيف سوسياليسم تلقی نمی كنم .

س - اما ريشه و ماهيت اين تحولات را چگونه مي بينيد و سمت و سوي آنها چگونه ارزيابي مي كنيد؟

جواب - خيلي طبيعي است كه فكر بكنيم براي هر حركت انقلابي و براي هر اصلاح و دگرگوني بايد ارزي كافي گذاشت و در عين حال انتظار داشت كه عواقبي هم در بر داشته باشد . بدون ترميم اين تبليغات فوق العاده شديد و زهر آگيني كه اكنون در دنياي غرب عليه اين تحولات شروع شده و تقريبا تمام رسانه های گروهی غرب قسمت اعظم وقت خود را و برنامه های خود را به اين مطلب اختصاص داده اند چيز ساده اي نيست . و اين مساله برنامه ريزي شده است . بنظر من اصل قضيه اين است كه مي خواهيد كلت سوسياليسم را زير سوال ببرند ، زيرا زير سوال بردن سوسياليسم يعني تقويت كاپيتاليسم . به اين دليل ما در عين حال كه اين تحولات را تايد مي كنيم همانطور كه در بالا هم اشاره شد آنها را در جهت تقويت سوسياليسم واقعي مي بينيم . در عين حال بايد از طرف مسئولين اساسي اين تحولات دقت كافي در هدايت درست حركت بشود ، درست نيست اين حركات را در جهت ضديت با سوسياليسم جلوه بدهند . تمام اين حركات بايد با يك شيوه دمكراتيک تحت كنترل قرار بگيرد و نبايد به هيچ شيوه اي اجازه داده بشه امل تحولات اصلاحی بسوي گرايشات

نامطلوب و منحرف ضد سوسيالیستی تبدیل بشود . كه اگر چنين وضعی پیش بیاید ، كنترل غير ميسر خواهد بود و ممكن است به جايي برسد كه كاپيتاليسم نتيجه مطلوب خودش را از مجموعه اين تحولات براي سه زير سوال بردن كلت سوسياليسم بگيرد . و در آن صورت خيلي گران تمام خواهد شد . اگر به شيوه های سوسياليسم به معنای واقعي خودش شكست خورده جلوه داده بشود كه الان دارند رويش تبليغ مي كنند ، در بنده همه احزاب كمونيست و سوسيالست اشهر سفي خواهد گذاشت و چه بسا در صفوف دموكراتيهای واقعي هم تاثير خواهد كرد . لذا ما اعتقاد داريم كه اين حركات در مجموع بسوي سوسياليسم پيش مي رود و سوسياليسم گماكان در مقابل كاپيتاليسم موجوديت خودش را حفظ خواهد كرد .

سوال - شما اشاره به نادرستي برنامه ها و سيستم پياده كردن برنامه ها و عدم توجه به واقعيت هاي عيني و ذهني نموديد . مي خواستم اين را براي تان بيشتر باز كنيد و بهر حال ماهيت اين نادرستي را چگونه مي بينيد؟

جواب - راجع به نحوه پياده كردن برنامه ها مي خواهم به اين مساله اشاره كنم ، هر مملكتي و هر كهوري داراي يك موقعيت خاص جغرافيايي ، اقتصادي و اجتماعي هست . بدون ترميم انقلاب اكثير يكي از مهم ترين پديده هاي عالم است و بنديال آن توصيفات بسيار سنگين انگيزي پيچيد خود و وحشتي كه بعد از اين انقلاب به كشورهای سوسيالیستی وارد آمد ، آنقدر شديد بود كه همانطور كه ملاحظه مي كنيد ، در هر طرف كشور خوراها را مورد حمله و يورش قرار دادند و وضع خاصي كه براي اولين كشور سوسيالیستی پيش آمد به حدی جان بود كه شايد خيلي غير طبيعي نبود اگر تحت اين همه فشار نتوانند همه برنامه ها - يشان را دقيق پياده كنند ولي بعد از آن سراسر كشورهای ديگر اين فرصت بود هم به لحاظ متخصص در امور اقتصادي و هم به لحاظ متخصص در امور سياسي در اغلب كشورها شخصيت هاي بسيار بنام و انديشمندی بوده اند . عامل مهمي كه بعضي از اين كشورها نتوانستند دقيقا برنامه هايشان را خودشان تعقيب كنند توجه بيش از حد به برنامه ريزي اتحاد جماهیر شوروي بود . و متأسفانه اين مساله تا سالها اخير هم متداول بوده و خصوصاً در زماني كه سياست استالينيستی به مقياس وسيعي بر روی کشورهای سوسيالیستی ديگر هم اثر بخشيده بود هر نوع تغيير نظر و دگرگوني در اين الكوي سوره توجه خطا حساب مي كند . و خود اين امر مانع شكوفايي بيشتر استعدادها و پياده كردن برنامه های شايسته براي هر كدام از اين كشورها بود .

سوال - افرادی هستند كه در گذشته از سوسياليسم دفاع مي كردند و اكنون تحت عنوان " گرايش نوين " عملاً عليه نظرات قبلي خودشان هستند و بعضي از اين افراد تا جايي پيش مي روند كه براي سرمايه داري هيچ الترناتيوي در خارج از آن قابل هستند . مي خواستم بدانم نظر شما با توجه به اين رويدادها ،

الترناتيو سرمايه داري را چگونه مي دانيد ؟

جواب - اين امراني كه شما اشاره كرديد با سه معنای واقعي خود سوسياليسم را درك نكرده اند سه عنوان پيشرفته ترين سيستم اقتصادي جهان امروزي و يا اگر اينطور نامود مي كنند كه سوسياليسم آنطور كه آنها انتظار داشتند از آب در نياموده در اشتباهند . زيرا نفس سوسياليزم هيچ عيب و نقصي ندارد و موازين علمي كه سوسياليسم بر آن مبنا تعيين شده در مضمون خودش به قدرت خود باقسي است . اين افراد هستند كه في الواقع نظريات شخصي خود را اعمال كرده اند و برنامه های اقتصادي سلگتشان را دقيق نويخته اند كه منجر به نتايج مطلوب نشود و خصوصاً ديكتاتوري و اعمال آن در بعضي از اين كشورها عامل مهمي در عقب مانگي سوسياليسم بوده است . لذا بنظر من اين افراد اگر در حال حاضر هم بدبين و مايوس هستند و احياناً همانطور كه از سوال شما معلوم مي شود فرق چنداني بين سرمايه داري و سوسياليزم نمي بينند بايد تعمق بيشتری بكنند و متوجه اين واقعيت بشوند كه سوسياليسم و كاپيتاليسم گماكان دو سيستم متممايز و متضاد جهاني هستند . گر چه ما اكنون در بسياري از موارد بخصوص در زمينه سياسي ، احياناً در برنامه ريزي هاي اقتصادي آینده تفاهات چشمگيري بين اين دو سيستم ايجاد مي شود ولي واقعيت اين است كه دنياي كئوني عليه رقم همه اين تحولاتي كه الان در کشورهای سوسيالیستی مطرح است سوسياليسم را به هيچوجه رد نكرده و سرمايه داري نتوانسته موقعيت خودش را طوري تبديل بدهد كه سوسياليسم را منتفي جلوه بدهد و بخران ها و تفادهای درونسي خود را حل كند . من در شرايط فعلی مثل همیشه سوسياليسم را الترناتيو سرمايه داري مي بينم .

سوال - يكي از مسائلي كه در اين شرايط عمده شده است ، مساله دموكراسي است . مي خواستم بدانم بنظر شما علت عمده شدن اين مساله ، عدم توجه به بنهان گذاران سوسياليسم به مساله دموكراسي بوده است يا علت در چگونگي ساختمان سوسياليسم در اين كشورها مي باشد ؟

جواب - دموكراسي مقوله مهم جهان امروزي است و دموكراسي نه تنها در کشورهای سوسيالیستی بلكه در همه جهان يك امر ضروري و مبرم است . بشریت پيشرفته كئوني براي شوق العاده مشكل است كه بتواند در فضايي بدون وجود دموكراسي به حيات آتی خود ادامه بدهد و به همین دليل در دهه اخير بخصوص شكوفايي دموكراسي چشمگيرتر از سابق مطرح بوده است ، ولي به هيچ وجه به اين معنا نيست كه دموكراسي در فلان كشور سوسيالیستی يا دموكراسي در فلان كشور كاپيتالستی فرقي داشته باشد . چه در كشور سوسيالیستی و چه در كشور كاپيتالستی دموكراسي به معنای ميانيت حقوق و آزادي های فردي و برابري در مقابل قوانين و مزايای مدرن يك امر ضروري و حياتي است . و اگر مساله دموكراسي در ارتباط با تحولات کشورهای سوسيالیستی در حال حاضر مطرح است و بيشتر روی آن تاكيد مي شود به اين منظور است كه در واقع كلييه يوايهابي را كه در نتيجه تطبيق سوسياليسم ولو بصورت ناقص در کشورهای شرقی انجام گرفته

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

و پنجم می خورد تحت الشعاع این مسأله قرار بدهند. من بر این عقیده هستم که سوسیالیسم و دموکراسی به هیچ وجه نمی توانند از همدیگر متمایز باشند. سوسیالیسم واقعی وقتی قابل پیاده شدن است و برنامه های به بهترین شیوه ممکن پیش خواهد رفت که دموکراسی را در بطن خودش داشته باشد و این دموکراسی به عنوان بزرگسب عملاً در پیاده کردن سیستم اقتصادی تطبیق داده بشود. و من در رابطه با قسمت آخر سوالان نظرم این نیست که تنها فقدان دموکراسی موجب این عدم موفقیت ها شده باشد بلکه دادن سیستم برنامه ریزی ها بر سبب واقعیت ها، کارایی ها و نیروها پایه گذاری شده و در این رابطه دقیق ارزیابی نکردن نیروهای فعال کشورها معضلت ایمان، سهل انگاری ها، به عدم کنترل، به فضا و قدر سپردن ها بوده که این وضع را پیش آورده و من صرفاً این را در تطبیق دموکراسی نمی بینم.

سوال - کاک جلیل من شنیده ام که در کشور ششم حزب دموکرات، جناح قاسملو برای پیشبرد حفظ خودشان که همان خط به اصطلاح سوسیال دموکراسی غربی است، به شیوه های ضد دموکراتیک متوسل شد. اگر امکان دارد در رابطه با تصویب مسأله به اصطلاح سوسیالیسم دموکراتیک در برنامه حزب، برای ما کمی توضیح دهید.

جواب - این چند سال اخیر مد شده بود که هر بار از طرف این فراکسیون یک چیز تازه ای بر حسب تحصیل بشود. در کشور ششم علی الرغبت مسائل قابل توجه و مهم دیگر، آقایان مسأله سوسیالیسم - دموکراتیک را مطرح کردند که در واقع این قضیه در رابطه با جزوهای تحت نام بحث کوناهای پیرامون سوسیالیسم قبلاً چاپ شده بود، به شکل جدی در این کشور مطرح گردید. همه شرکت کنندگان در کشور می دانند که در رای گیری مرحله اول این مسأله با شکست مواجه شد ولی طرفدایی که طبق معمول به شکل خاص خودشان در آوردند توانستند مسأله را بر جو کشور تحمیل کنند. قطعاً همه افرادی که در آن شرایط و در آن کشور بودند این مسأله را بیسواد دارند. و ریاضیاتی ناشی از تحمل آنرا نیز فراموش نکرده اند. من یقین دارم که این آقایان تبلیغ اعدای توأم با تظاهر به دموکرات مایی به خود این قضیه هیچ اعتقاد و ایمانی نداشته اند. کسی که در جارجیو حزب خودش نتواند دموکراسی را تطبیق بدهد و بهر طریقی که برایش مقدور باشد حقوق اعضا و به شمرگان و کادرها را باهمال بکند جز به منظور نظامی نمی تواند سوسیالیسم، یا سوسیالیسم دموکراتیک را مورد توجه قرار بدهد. و من معتقدم که این فراکسیون نه تنها به سوسیالیسم حتی به دموکراسی هم هیچ اعتقادی نداشته و ندارند و با لایحه ایی رفتار غیردموکراتیک را آنقدر در کشور و خارج از آن اعمال کردند که حزب را دچار جنین وضعی ساختند. و منجر به این شد که به دنبال کشور به اصطلاح ششم که ما آنرا کشور شوم می نامیم رهبری انقلابی پس از طی همه مراحل اساسنامه ای و گوشه ده ها ناگزیر شد اعلام موضع بکند و با استناد بر مسائل

که در آن اعلامیه ۱۰ ماده ای مطرح گشته است - فراکسیون را از حزب طرد بکند. به نظر من اعتقاد و ایمان به هر پدیده ای نیز بزرگترین عامل برای اجرای آن است. و چون فراکسیون اعتقاد به دموکراسی نداشت هرگز در صدد این بر نیامد که علیرغم توجهات مکرر مسئولین و افراد حزبی در رده های مختلف آنطور که باید و شاید دموکراسی را در چهارچوب حزب پیاده کند. و اصل عنوان کردن سوسیالیسم دموکراتیک را ما بیشتر تظاهر می دانیم تا وجود اعتقاد و ایمان به سوسیالیسم از هر نوعی که آنجا بخواهند رویش فکر بکنند. در همان گنگره ششم هم ما در این مورد بیان داشتیم که دموکراسی چیزی است که برای سوسیالیسم و دموکراسی دو چیز از هم جدا ناپذیرند و ارتباط تنگاتنگ و دیالکتیکی با هم دارند. متأسفانه گرچه سخنان ما مورد استقبال گرم شرکت کنندگان در گنگره قرار گرفت این آقایان نتوانستند نظر خود را تحت عنوان سوسیالیسم دموکراتیک بر کنگره تحمیل بکنند و در برنامه آن زمان بگنجانند و ما در کنفرانس چهارم که بعد از اعلام موضوع در تبر ماه سال گذشته تشکیل گردید کلمه دموکراتیک را از آن بند حذف کردیم و به قید سوسیالیسم اکتفا نمودیم زیرا سوسیالیسم معنی و مفهوم خاص خودش را دارد و اگر کسی به آن اعتقاد داشته باشد، در شرایط خود می تواند برای پیاده کردنش هم اقدام بکند.

سوال - در مورد مسائل دموکراسی که اشاره کردید می خواستم نظرتان را در مورد تطبیق این گزاران مارکسیسم در مورد دموکراسی بدانم. جواب - در مورد مسأله دموکراسی در واقع از طرف بنیان گزاران مارکسیسم این مسأله نه به آن شیوه ای که بطور مطلق روی کارگران حساب بشود بلکه مورد اساسی اکثریت نودهای رختکش بوده که چرخ اقتصاد روی دوش آنها می گشته است و بدون شک اگر زمانی در قید حیات خود مارکس همانطور که بعداً هم در زمان خود لنین مسأله مطرح بوده، توجه خاصی به این اکثریت به هیچوجه به معنای نفی بقیه آراء و عقاید و نظرها نبوده و با اتفاق افتاده که با اشخاص مخالف هم در رابطه با مسائل گوناگون بحث و گفتگو شده و از طریق مباحثه توانسته اند برنامه متناسب با آن شرایط را شروع کنند. با توجه به این که در دنیای کنونی نیاز بیشتر به تطبیق دموکراسی احساس می شود اگر این جنبه به شیوه پلورالیستی با بهتر بگویم مورد توجه قرار دادن نظریات مختلف احزاب و سازمان های هر جامعه تامین بته منجر به همکاری سیمبالیست و بر صفائی خواهد شد و به احتمال زیاد در سطح تولید و توزیع عادلانه و اجرای عدالت اجتماعی تاثیر بیشتر و بهتری خواهد گذاشت.

سوال - نظر شما نسبت به سخن گورباچف چیست و چشم اندازتان روی سیاست هایی که پیش می برد چگونه است؟

جواب - بی تردید در دهه های اخیر گورباچف یکی از چهره های فوق العاده درخشان دنیا به سزاه

دنیای شرق است و ابتکارات ایشان به منظور اصلاح سوسیالیسم و هم منظور تطبیق دموکراسی و توجه به تحلی حقوق ملتتها مسائلی است که اهتمام خاصی به آنها تازگی دارد و این کار علاوه بر بینش و ابتکار نیاز به شجاعت و شهامت فوق العاده زیادی داشت که تا کنون این شجاعت و شهامت قابل توجه همان در ایشان دیده شده است. بی گیری ایشان علیرغم مخالفت های زیادی که بصورت آشکار و نهان در داخل خود شوروی علیه ایشان شده جای تقدیر است و خصوصاً جهان بینی ایشان به معنای واقع در شرایط فعلی نه تنها در داخل شوروی بلکه در دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز در صفوف احزاب کمونیست و سوسیالیست تاثیر شگرفی گذاشته است، البته در همه مقیاس های جهانی نیز تاثیر خاص خودش را بخشیده است. بنابراین برنامه های ایشان و کارهای ایشان در مجموع مثبت ارزیابی شده و من به سهم خودم برای ایشان آرزوی موفقیت می کنم.

سوال - تحولات اخیر در صحنه بین المللی تغییرات زیادی ایجاد کرده است. می خواستم بدانم این تغییرات را شما چه می دانید و آنرا چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تغییرات در سطح بین المللی را بسود جنبش های کارگری، دموکراتیک، ملی و آزادیبخش می دانید؟

جواب - همانطور که ملاحظه می کنید این تحولات موجب تغییرات چشمگیری در داخل خود کشورهای سوسیالیستی گشته و مضافاً در روابط بین المللی نیز مضافاً اثر فراوانی بوده است. همانگونه که قبلاً اشاره شد اگر قضیه به آنجا برسد که مخالفین سوسیالیسم بتوانند آنرا در کلیت خودش نفی بکنند زبان های جنران ناپذیری به جنبش های کارگری، دموکراتیک و ملی و آزادیبخش خواهد رسید. ولی اگر آنطور که قبلاً گفتم این حرکات و تحولات به بله روال منطقی پیش برود و کنترل در این ممالکسی که تا حالا بنام کشورهای سوسیالیستی مطرح بوده اند و اتحاد قابل توجه و مهمی هم چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه سیاسی بین آنها وجود داشته حفظ شود و در عمل مجال ندهند قضیه از کنترل خارج گردد و برنامه ها را دقیق جلو ببرند و نظریات اصلاحی خودشان را در عمل یا همکاری مردم این کشورها که بزرگترین عامل تعیین کننده خود آنها هستند پیش ببرند. هر چند در حال حاضر بنظر می رسد که همه جنبش های کارگری با بحران مواجه اند، نهضت های دموکراتیک و ملی و آزادیبخش نیز مشکلات زیادی دارند، در یکی دو دهه آینده وضع روشنتر و امیدوارکننده ای پیش خواهد آمد که نتایج بسیار سود بخشی در همکاری بین این نیروها خواهد داشت. خصوصاً در رابطه با مسأله ملی که اکنون بارزترین شکل خود را در خود کشورهای سوسیالیستی دارد باید توجه بیشتری بشود و این توجه کم و بیش مشهود است که قطعاً روی دیگر نهضت های ملی و آزادیبخش اثر مستقیم خواهد گذاشت. اولاً تجارب بسیار تلخ طو لانی در این زمینه مطرح است که در بنیان گذاری نهضت های آزادیبخش و ملی تاثیر می بخشد و مضافاً خود کشورهای سوسیالیستی که در بسیاری موارد تاکنون در خارج از محدوده جغرافیایی خودشان توجه کمتری

در رسانه‌های خبری جهان

لیسبنا و آنتی سوسیالیستها نیز از چنین مضمونی برخوردارند.

اما همه سخنرانان چنین عقیده نداشتند. ادوارداس تیتسکیس جانشین رئیس کمیته جمهوری برای کنترل خلقی توضیح داد " من در سوئدمن بودن انتخابات قریب الوقوع شک دارم. این شروع تغییرات در حزب نیست بلکه کاپیتولاسیون سیاسی، نشویق به گروههای بیخذا و گروه گرایی و تلاش برای انشعاب در حزب کمونیست لیتوان است. تاثیر سیاسی حزب کمونیست در لیتوان مستقیما به ارتباط تنگاتنگ آن با حزب کمونیست ا.ج.ش بستگی دارد. فراخوان به تشکیل یک حزب مستقل بدان معناست که حزب کمونیست لیتوان بعنوان یک نیروی مادی از صحنه سیاسی حذف شود."

و ادیم مدودف ایدئولوگ دفتر سیاسی و کسی که در پلنوم سخنرانی کرد، به همین صورت تاکید کرد: " آیا حفظ حزب کمونیست لیتوان اصلا بعنوان حزب کمونیست خارج از حزب کمونیست ا.ج.ش ممکن است؟ آیا این حزب از جانب دیگر نیروهای سیاسی که از هم اکنون او را تحت فشار گذاشته‌اند و آنها نیز مدعی عملی ساختن علائق ملی خلق لیتوان هستند به دیوار قشره نخواهد شد؟ آیا حزب نباید برنسیب های یک موقعیت متفاوت سیاسی خود را تطبیق دهد؟ فراین باره نباید سکوت کرد که گامی اینچنین به انشعاب در سازمان حزب جمهوری راه می‌برد."

از خطر انشعاب بسیاری سخن می‌گویند. تعداد زیادی از سازمانهای حزب - بخصوص روس ولپتانی زبانها - در صورت تشکیل یک حزب جدید علاقه کمتری به ماندن در حزب کمونیست ا.ج.ش دارند. بنابراین آیا دو حزب بوجود خواهد آمد؟ در فیلیپوس تلاش می‌شود تا از اشتباهات خارجی ها درس گرفته شود. اما تجربیات کمونیستهای مجارستان نیز می‌تواند جالب باشد. جناح رفرمیست حزب سابق کمونیست مجارستان بسیار امیدوار بود که پس از تغییر بنای حزب سیمانی زیادی در انتظار عمومی کسب کند، اما جریان بر عکس شد. حزب جدید سوسیالیست مجارستان تا کنون تنها بخش کوچکی از اعضا سابق حزب کمونیست را به خود جذب کرده است. کمونیست های دیگر تحت رهبری کارلی گروزتسکی اکنون تلاش می‌کنند حزب کمونیست را دوباره بنیاد کنند. تعداد رای دهندگان از قبل کمتر شده است. آیا در فیلیپوس شیهه به همین مسیر پیچوده نمی‌شود؟ عقاید سوسیال دموکراتیک از هم اکنون از جانب احزاب شکل گرفته در جمهوری مطرح می‌شوند. آیا یک حزب جدید کمونیست در مواجه با آنان شکست خواهد خورد؟

در ۱۹ دسامبر، نخستین کنگره حزب کمونیست لیتوانی در فیلموس افتتاح خواهد شد. " عصر جدید" خوانندگان خود را در جریان اینکه نمایندگان کدام راه را پیشنهاد کردند خواهد گذاشت.

زیرنویس

۱ - مرکز جمهوری لیتوانی

(ضمیمه)

نامه به هیئت تحریریه
۱۰۰۰ سوسیال دموکرات

اولین کنگره حزب سوسیال دموکرات در لیتوان تشکیل شد. این حزب در اواخر قرن نوزدهم بنیان گذاشته شد اما در سال ۱۹۳۶ توسط حکومت سوده ای ممنوع اعلام شد. این ممنوعیت تحت حاکمیت قدرت شوراهای نیز ادامه یافت و تا کنون اعضای ما ناچار بودند به فعالیت زیرزمینی بپردازند. در طول این دهها تنها تعداد معدودی گروهها و جمعیت کوچک وجود داشتند. آنها به ویژه به آموزش آثار سوسیال دموکراتیک می‌پرداختند که با وجود ممنوعیت از کشورهای غریب به اتحاد جماهیر شوروی وارد می‌شدند.

ما می‌خواهیم به جنبش سوسیال دموکراتیک ایده‌آل‌های ابتدایی اش که مارکس و انگلس از آنها سخن رانده‌اند را بازگردانیم. در بسیاری موارد طرح برنامه ما برنامه ح.ک.ل را بیاد می‌آورد.

اکنون حزب سوسیال دموکرات لیتوان حدود ۱۰۰۰ عضو دارد. اگر در طی سالهای ممنوعیت اعضا بویژه از روشنفکران بودند اما اکنون کارگران و کشاورزان بیشتر به حزب روی می‌آورند. مهمترین مسئله برای ما خودمختاری سیاسی و اقتصادی جمهوری است. قانون راجع به خودمختاری سیاسی تصویب شده است اما مشکل بنوان کسب خود به واقعیت رساندن آن چگونه به نظر خواهد رسید. هنوز هیچ قانونی به مرحله عمل نرسیده و قانون راجع به انتخابات صنعتی به نظر من بسیار مهم است.

به نظر من زیربنای اقتصاد مستقل باید ایمن باشد که مردم آنچه را که حقشان است دریافت کنند. در آمد آنان تنها می‌تواند به نتیجه کارشان بستگی داشته باشد. ما به یک واحد پول محکم احتیاج داریم که منجمد نباشد. به مقابله با تورهای پر منفعت خریدار - توریستها - بروم. لیتوان، آلمان دموکراتیک و چکسلواکی مقررات مقتضی را وضع کرده‌اند، ما نیز باید این کار را بکنیم. برای اینکار همچنانکه گفته شد به یک واحد پول متعلق به خودمان احتیاج داریم. دانشمندان اقتصادی روی اشکال بشماری کار کرده‌اند اما تا کنون به یک نظر واحد دست نیافته‌اند. سوسیال دموکراتها نیز به همین صورت در این کار شرکت می‌کنند.

تا آنچه که به سیاست مستقل مربوط می‌شود در اینجا معمولا همه چیز به این سوال منحصر می‌شود که آیا ما لیتوان را خارج یا داخل اتحاد شوروی می‌خواهیم بنیمیم. این یک سوال پیچیده است. طبیعی است که باید یک اتحادیه وجود داشته باشد. قطع کلیه ارتباطات با اتحاد جماهیر شوروی غیر قابل تصور است. البته که باید یک اتحادیه اصولا متفاوت وجود داشته باشد.

امروز رابطه ما با حزب کمونیست و مقامات جمهوری به خوبی پیشرفت می‌کند. ما به اجازه داده شد کنگره‌مان را با حضور مهمانان از کشورهای دیگر مانند نمایندگان سوسیال دموکراتهای آلمان فدرال، سوئد، دانمارک، لیتوان، بلژیک و... همچنین هم میهنان سابق که در زمان خود مجبور به ترک میهن شده بودند، برگزار کنیم. البته حزب ما رسماً به

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

- ۱۳۵۸/۱/۵ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مردم سنندج (نوروز خونین سنندج)
- ۱۳۵۸/۱/۶ - آغاز جنگ تحمیلی به مردم ترکمن صحرا توسط رژیم جمهوری اسلامی
- ۱۳۵۸/۱/۱۲ - انجام اولین رفراندوم شد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی
- ۱۳۵۸/۱/۱۸ - شهادت دانشجوی مبارز ناصر توفیقیان در حمایت از راهپیمایی کارگران بیکار شهر اصفهان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۳۵۸/۱/۳۱ - حمله مزدوران رژیم خمینی به مقر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آبدان
- ۱۳۵۹/۱/۷ - قتل عام مردم دهکده قلانان در کردستان توسط رژیم خمینی
- ۱۳۵۹/۱/۱۹ - قطع رابطه سیاسی آمریکا با رژیم خمینی
- ۱۳۵۹/۱/۲۹ - مورث جنایتکارانه نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به شهر سنندج و آغاز جنگ یکماهه در داخل شهر و نیز آغاز دوزخ جنگ علیه مردم کردستان
- ۱۳۶۱/۱/۴ - شهادت رفیق فدایی محمد حرمتی پور و چهار نفر از یارانش در جنگهای مازندران
- ۱۳۵۷/۱/۷ - عملیات قهرمانانه پرسنل نظامی مجاهد خلق علیه مزدوران رژیم خمینی در یادگان لویزان
- ۱۳۶۲/۱/۸ - قتل عام مردم روستای کانی رش و پیران حیدر در کردستان توسط نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی
- ۱۳۶۶/۱/۲۸ - تصویب طرح حقوق زنان در شورای ملی مقاومت
- روزهای جهانی
- ۲۱ مارس برابر با اول فروردین - روز بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی
- ۲۷ مارس برابر با ۷ فروردین - روز جهانی تأثیر
- ۲ آوریل برابر با ۱۴ فروردین - روز بین المللی کتاب کودک
- ۷ آوریل برابر با ۱۸ فروردین - روز جهانی بهداشت
- رویدادهای خارجی
- از ۲۱ مارس تا ۳۰ آوریل
- ۲۶ مارس ۱۷۷۰ - تولد لودویک بتهوون موسیقی دان بزرگ
- ۲۸ مارس ۱۸۷۱ - تشکیل کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری در جهان
- ۲۸ مارس ۱۸۸۶ - تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس
- ۱۱ آوریل ۱۹۱۹ - شروع میلانواپاتا از رهبران جنبش مکزیک
- ۴ آوریل ۱۹۴۵ - آزادی کشور مجارستان از سلطه دولت فاشیستی هیتلر
- ۹ آوریل ۱۹۴۸ - قتل عام وحشیانه صدها نفر از مردم فلسطین در روستای (نیر بانین)
- ۱۷ آوریل ۱۹۵۷ - کشایش نخستین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در باندوک (اندونزی) در این کنفرانس شخصیت های ملی و مردمی بسیار همچون دکتر سوکارنو و جمال عبدالناصر شرکت داشتند.
- ۲۲ مارس ۱۹۵۸ - خروج عراق از پیمان امپریالیستی سنتو
- ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ - برای نخستین بار یوری گاگارین در یک سفینه فضایی زمین را دور زد. (روز کیهان نوردی)
- ۱۵ آوریل ۱۹۶۱ - تجاوز آمریکا به کوبا درخلیج خوکها
- ۲۱ مارس ۱۹۶۸ - نبرد قهرمانانه مردم فلسطین در کرانه یگن از حماسی ترین نبردهای خلق فلسطین و نقطه عطفی در تاریخ جنبش مردم فلسطین
- ۴ آوریل ۱۹۶۸ - شروع جنبش کارگران مارتن لوتر کینگ از رهبران جنبش ساهبوسان آمریکا
- ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ - پیروزی جنبش مردم کامبوج علیه رژیم دست نشانده لول نول

در صفحه ۶

ثبت نرسیده است. در کشور ما اصلا قانونی برای به ثبت رسیدن احزاب وجود ندارد. بر طبق قانون اساسی در لیتوان امکان یک سیستم چند حزبی به رسمیت شناخته خواهد شد، اینکه چگونه، کجا و از طرف چه کسی نباید دیگر احزاب می‌تواند رسمی باشد جای یک چنین مکانیزی می‌تواند. به نظر من فقط پذیرش از سوی قانون احزاب می‌تواند صلاحیت این کار را داشته باشد.

مصاحبه با کاک جلیل گادانی

درباره تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی

خواهد آورد.

از صفحه ۹

به مساله ملی می‌کردند احساس مسئولیت بیشتری خواهند کرد و به این نتیجه خواهند رسید که در نبال مسائل ملی چه در داخل کشورهای خودشان و چه در خارج از محدوده جغرافیایی خودشان در محصله جهان بی تفاوت نمانند و طرح قضیه ملی و دفاع از حقوق ملی خلق‌های تحت ستم را به عنوان یک وظیفه جدی تلقی نمایند.

سوال - تاثیر این تغییر و تحولات را در جنبش مقاومت سراسری و بخصوص جنبش خلق کرد چیه می‌دانید؟ آیا مبارزه مسلحانه خلق کرد برای آزادی و خودمختاری از این تحولات سود می‌برد یا ضرر؟
جواب - امیدوارم بدنبال این تحولات فوق العاده که در کشورهای سوسیالیستی مطرح است و بی تردید همانطور که فوق گفته شد بر روابط بین‌المللی هم تاثیر خواهد گذاشت و مساله کرد نیز از این مسائل مشتقی نیست؛ به گمان من اثر خوبی می‌گذارد. شما می‌بینید که ۱۱ سال است مبارزه مسلحانه خلق ما علیه رژیم ایران ادامه دارد. متأسفانه در تمام این مدت برای یکبار هم از طرف این کشورها پشتیبانی عملی از مبارزات بر حق ما مطرح نشد. من انتظار دارم که این مساله از دیدگاه آنها جنبه جدی‌تر بخود بگیرد. و مساله ملی ما از طرف آنها نیز حداقل به اندازه کشورهای غربی که اکنون دم از حقوق بشر در سورد ما کرده‌اند می‌زنند مطرح بشود و بیش از این در باره مساله ما سکوت نکنند. این تحولات نه تنها اثر منفی روی مبارزه مسلحانه خلق ما نخواهد گذاشت بلکه اگر در قبال ما احساس مسئولیت کنند و به حکم وظیفه انترناسیونالیستی دست کم به اظهار نظر بپردازند گرمی بیشتری به مبارزه ما برای احقاق حقوقمان خواهد بخشید.

سوال - کاک جلیل شما فکر می‌کنید یک دولت دموکراتیک و مردمی در ایران، با توجه به تحولات اخیر، چه نوع دیپلماسی باید اختیار کند که سود خلق‌های ایران و خلق کرد هم باشد و تا آنجا که بسا دیپلماسی شورای ملی مقاومت آنتانی داریه نظر نظران در این رابطه چیست؟

جواب - من در رابطه با دولت دموکراتیک آینده ایران بر این عقیده‌ام که به سرف ادعا، مسردم از تطبیق دموکراسی چشمان آب نمی‌خورد هر دولت اترناتیوی که بجای رژیم فعلی بخواند در ایران حکومت کند باید دموکراسی را به معنای واقعی خودش تطبیق بدهد و با همه توان در تأمین حقوق حقه خلق‌ها و رحمتکشان کوشا باشد. دیپلماسی از دیدگاه‌های مختلف فرق می‌کند. برای یک دولت دموکراتیک بهترین دیپلماسی این است که بر اساس احترام متقابل پایه گذاری بشود. در مورد دیپلماسی شورای ملی مقاومت تا آنجایی که من آشنایی دارم این شورا به لحاظ دیپلماسی، مستقل بوده و تاکنون از لحاظ دیپلماسی سیاسی را اعمال نکرده که مخالف با اصول باشد. در هر شرایطی چه شورای ملی مقاومت و چه هر نیروی دیگری از تطبیق دیپلماسی بر اساس احترام متقابل عدول نکند موقعیتی بدست

اطلاعیه

مسئول شورای ملی مقاومت ایران

سه روز پیش سازمان مجاهدین خلق ایران بر اساس اطلاعاتی که از داخل رژیم خمینی بدست آورده بود از تاخیر مشکوک و غیر مرسوم در انتشار گزارش گالیندویل که حاکی از "یک معامله کثیف" بود قویا اسرار نگاشته کرد.

امروز بدنبال کنفرانس مطبوعاتی مقاومت ایران در ژنو که به همین موضوع اشاره داشت گزارش سورد بحث به تاخیر منتشر گردیده و قویا مورد استقبال ایادی و مزدوران رژیم خمینی واقع شده است.

از نظر مردم و مقاومت ایران این گزارش کاملاً مخدوش، مغرضانه، غازی از اعتبار و صرفاً حاکی از یک معامله پشت پرده و مطلوب مقامات رژیم خمینی است که پیشاپیش برای بدست آوردن آن بر پایه ریزی و توطئه چینی کرده بودند. این گزارش شرم آور بطرز ناشایسته‌ای نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران و حیایات وحشی ترین استبداد مذهبی دنیای معاصر را می‌پوشاند و با به حداقل می‌رساند.

بنظر می‌رسد اگر آقای گالیندویل دست بساز می‌داشت در پایان گزارش یک جایزه حقوق بشر نیز به ملایان خون اشام تقدیم می‌نمود که لابد زمان آن هم پس از اجرای حکم اعدام سلمان رشدی فرا خواهد رسید!

برده پوشی حقایق، کوچک جلوه دادن جنایات جلادان و گناه حتی مظلوم نمایان آنها و شتابلا برجست بدلیله تروریستی به مقاومت عادلانه یک خلق امیر برای صلح و دموکراسی همین منت‌های وقاحت و بیشرمی است. با چنین نظرگاهی سادگمی می‌توان حیایات کشتیابو فاشیسم هیتلری را نیز وارونه جلوه داد. آشوبگر و کوره‌های آدم سوزی را نیز نادیده گرفت و تلویحا به طعن و لعن مقاومت ضد فاشیستی زبان گشود.

آیا نوسلده این گزارش هرگز به اتاق‌های شکنجه رژیم خمینی قدم گذاشته و مندا فلم‌الان و اسرار شکنجه را از نزدیک دیده است؟

آیا ابوع دستگاههای پرس سر وسیع و انواع ماشین‌های قطع انگشتان و دست و پا را دیده است؟ آیا بعنوان نمونه بر سر یک گور دستجمعی حاضر شده و مندا حسد شکنجه شده را که نیمه جان بنفون گردیده‌اند ملاحظه کرده است؟

آیا در یک صحنه خلق آویز با تیرباران دستجمعی حضور یافته و آیا هرگز با دختران و زنانی که سبعانه مورد تجاوز واقع شده‌اند گفتگو کرده است؟ آیا جهت نبود که مقامات رژیم خمینی از قبل در محافل خصوصی خود تصریح می‌کردند که برای گسترش رابطه با برخی کشورها و دریافت کمک‌های لازم "برای اینکه این کشورها بتوانند تضمین سیاسی شان را امانت بگیرند و بحث (حقوق بشر) را جمع کنند" "حالا باید با این گالیندویل همکاری کنیم تا مسئله را حل کنیم".

خود گالیندویل هم می‌داند که اگر با یک تضمین مطمئنی نداشته باشیم اصولا روی سفرش تصمیم قطعی نمی‌گیریم و اصولا نمی‌پذیریم. آعین سخنان سروس نامری شیر رژیم خمینی در ملل

در صفحه ۲

خوش بین هستم و مستقدم که سوسیالیسم در دنیای کنونی بهترین سیستم مسکن برای تطبیق عادلانه ترین شیوه اقتصادی و اجتماعی است و کماکان می‌ماند خواهد بود و این جاروجنجال تبلیغاتی که علیه سوسیالیسم راه افتاده با لآخره به پایان خواهد رسید و مردم جهان در آینه روی واقعیت‌ها به‌تدریج تفاوت خواهند کرد. واضح است که همه این فعالیت‌های تبلیغاتی علیه سوسیالیسم نخواهد توانست بحران‌های درونی سیستم سرمایه‌داری را منطفی تلقی بکند و هیچ نیرویی نخواهد توانست تضادهای درونی این سیستم را تعدیه بگیرد و انکار نکند. به‌عین دلیل با مقایسه عمیق این دو موضوع است که حزب ما در آخرین کنفرانس خود بار دیگر بر سوسیالیسم به عنوان هدف آتی حزب تاکید ورزیده و در آینده نیز بر این طرز تفکر باقی خواهد ماند.

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

اخبار و رویدادها....

انتخابات در نیکاراگوئه

روز ۲۵ فوریه اسال (۶ اسفند ۶۸)، انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان در نیکاراگوئه انجام گرفت. نتایج این انتخابات که با نظارت کاملاً بین المللی صورت گرفت در روز بعد از انتخابات اعلام شد. در این انتخابات خانم ویولتا ماریویسی کاندیدای ائتلاف وسیعی که از راست افراطی تا چپ افراطی علیه جنبه ساندینیست بنام " اتحاد ملی اپوزیسیون " (اوتو) ایجاد شده بود با ۵۵ درصد آرا برنده شد. دانیل اورنگا کاندیدای جنبه ساندینیست که به تنهایی در مقابل " اتحاد ملی اپوزیسیون " قرار گرفته بود، ۲۵ درصد آرا را خود اختصاص داد. دانیل اورنگا بعد از اعلام نتایج انتخابات اعلام نمود که نتایج انتخابات را رسمیت می‌شناسد. نکته قابل توجه و قابل ملاحظه‌ای که در این انتخابات وجود داشت، این بود که " اتحاد ملی اپوزیسیون " علیرغم اینکه در مقابل اصلاحات ارتش جنبه ساندینیست موضع مخالف داشت، با اینحال، آرا اکثریت ساکنان روستاها را بسود خود جلب نموده بود. یکی از عللی که تمامی امارگران قبل از انجام این انتخابات پیروزی اورنگا را اسری مسلم می‌دانستند، این بود که نمونه سلیح آنها عملاً به صف بندی جریانات اجتماعی در شهرها منتهی بود.

خانم ویولتا، بیوه آقای جانورا خبرنگار مبارز نیکاراگوئه است که در سال ۱۹۷۱ توسط موسوزا به قتل رسیده است. یکی از فرزندان او رئیس روزنامه رسمی جنبه ساندینیست است. خانم ویولتا، بطور کامل از جانب آمریکا حمایت می‌شد.

تصویب وجود اشکال گوناگون مالکیت در شوروی

رادئو مسکو در برنامه روز ۲۷ بهمن اسال در رابطه با برخورد پارلمان شوروی با شکل حاکمیت اعلام نمود که: " در سومین اجلاس شورای عالی (پارلمان) اتحاد شوروی پس از مساجلات پر شوروی که تا جلسه باعداد امروز هم ادامه داشت لایحه قانونی مربوط به مالکیت به طور کلی تصویب شد و تصمیم گرفته شد که این سند با در نظر گرفتن نتایج مساجلات در عرض یک هفته تکمیل شود. برای نخستین بار در تاریخ کشور شوروی، انحصار مالکیت همه خلقی ولی در ماهیت امر مالکیت دولتی رد می‌شود و تضمین هایی برای وجود اشکال گوناگون مالکیت نه تنها مالکیت اجاری و تعاونی، بلکه مالکیت خموضی هم تا سمن می‌گردد. ضمناً باید گفت که این نوع مالکیت در لایحه قانونی با خیالاست مالکیت انفرادی و ناشی از کار نامیده شده است. ولی اصل مطلب اصلاحات نیست، بلکه ماهیت امر است، چنانکه یک نماینده پارلمان در جریان مساجلات گفته بود، ایندولوه‌ها می‌تا کنون از کلسه مالکیت خصوصی بیم داشتند، ولی از پیشخوان های خالی مغازه‌ها بمناک و ناراحت نبودند. قانون مربوط به مالکیت همانا متوجه ما لا برهن سطح اسر بخشی این اقتصاد و اشباع کردن بازار مضر می‌است.

وحدت یمن شمالی و جنوبی

خبرگزاریها در روز ۱۲ اسفند ۶۸ اعلام نمودند که یمن شمالی و یمن جنوبی برای تسریع در امر وحدت دو کشور، ۱۶ سازمان دولتی را در یکدیگر ادغام کردند. مهمترین این موسسات، بانک ملی مرکزی دو کشور است. بقیه سازمانهای دولتی که در هم ادغام شده است عبارتند از: خبرگزاریها، رادئو و تلویزیون، شرکتهای هواپیمایی، بنادر، ادارات گمرک و پست، در روز ۳۰ نوامبر ۱۹۹۰، دو بخش یمن با هم متحد و کشور واحدی را تشکیل خواهند داد.

مساله آزادی گروگنیا

سخنگوی کاخ سفید آمریکا در تاریخ ۵ اسال (۶۸/۱۲/۱۴) اعلام نمود که حاضر است بدون هر گونه معامله، با دولت ایران بر سر مساله گروگنیا، مذاکره کند. سخنگوی کاخ سفید، اعلام نمود که این پیشنهاد بر اساس علاقه شخصی است که هاشمی رفسنجانی این روزها از خود نشان می‌دهد. سه روز بعد در تاریخ ۸ مارس یکی از تلویزیون های سراسری آمریکا اعلام نمود که حدود یکماه قبل کاخ

برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۳۹۹/۱/۱۶ - قیام سردمی شیخ محمد خیابانی - در تبریز
- ۱۳۰۰/۱/۱۲ - قیام افسران در خراسان به رهبری گلنل محمد تقی خان یسایان
- ۱۳۲۰/۱/۱۶ - درگذشت پروین اعتصامی
- ۱۳۲۶/۱/۱۰ - شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش صدر قاضی و سیف قاضی در شهر مهاباد (روز شهیدان کردستان)
- ۱۳۳۰/۱/۱۹ - درگذشت صادق هدایت
- ۱۳۳۰/۱/۲۲ - اعتصاب ۱۲ روزه ۴۰۰۰۰ نفر از کارگران نفت در آبادان
- ۱۳۳۷/۱/۲۳ - اعتصاب ۱۲۰۰۰ تاکسیران در تهران
- ۱۳۳۲/۱/۱ - حمله مزدوران رژیم شاه به مدرس - فضیله در قم
- ۱۳۴۴/۱/۲۱ - شهادت سرباز ساروز رضا شمس آبادی در جریان تیراندازی به محمد رضا شاه
- ۱۳۵۰/۱/۱۷ - حمله قهرمانانه رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران به کلانتری قلهک در تهران
- ۱۳۵۰/۱/۱۸ - به هلاکت رسیدن سپید فرس - دانشان ارتش رژیم شاه توسط رزمندگان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۳۵۱/۱/۲۰ - میربازار و به شهادت رساندن چهار نفر از رهبران سازمان مجاهدين خلق ایران، علی باکری، محمديه بازرگانی، ناصر صادق و سپین دوست توسط رژیم شاه
- ۱۳۵۴/۱/۳۰ - شهادت رفقای انقلابی میوز جزئی - حسن ضیا، ظریفی - عباس سورگی - سعید (شریف) کلانتری، محمدجوبانزاده، عزیز سردی، احمد کلانتری، جلیل افشار و ساجدهین خلق، کاظم ذوالانسوار و محمطفی جوان خوشدل در تپه‌های اوین توسط مزدوران ساواک شاه
- ۱۳۵۷/۱/۲۲ - پایان موفقیت آمیز اعتصاب غذای ۲۹ روزه زندانیان سیاسی در زندان قصر در صفحه ۱۰

NABARD E KHALGH NO: 69

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس های زیر مکاتبه کنید.

HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A
ایرتکا

HOVIAT
POST RESTANTE
MINERS GATE 118
2200 DANMARK
دانمارک

P.L.K
Nr. 039999 D
5000 KÜLN 1
W. GERMANY
آلمان غربی



در برابر تکرار می ایستند خاله را روشن می کنند و می میرند

شهادت فدایی فروردین ماه

- رفقا:
- جواد سلاخی - حبیب مومنی - خشایار سنجری - منصور فرشیدی - محمد معصوم خانی - میوز جزئی - حسن ضیا - ظریفی - عباس سورگی - مشعوف (سعید) کلانتری - محمد جوبانزاده - عزیز سردی - احمد جلیل افشار - حمید اکرامی - محمد رضا کامیابی - نژاد (پریدخت) آیتی - سیمین پنجه شاهی - عباس هوشمند - علی میرامین - یدالله سلیمی - جلیسل اراضی - بهرام آق آتابای - عطا خانجانی - اراز محمد وردی پور - نفور حمادی - عبدالله صدقی زاده - سردی محمد کوسه غراوی - قربانعلی پورنوروز - سعید جوان مولایی - علی محمد خوجه فیروز شگری - آسه بردی سراقاز - قربان (آرقا) شمیمی - فیروز صدیقی - نور محمد شمیمی - محمد رسول عزیزبان - رفیق پروین افروزه - محمد خروستی پور - منوچهر کلانتری - صدیق دیده ور (دکتر بهرام) و ...
- این رفقا از سال ۴۹ تا کنون در بیکار علی - امیربالیس و ارتجاع توسط مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

لطفا بسته های بزرگ و نامه پستارشی به آدرس فرانسه ارسال ننمائید.

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی نیازمند است. کمک های مالی خود را بهر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه بشریه واریز کرده و قبض رسید، و یا فتوکپی آنرا به آدرس مندرج پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب